

دولت جامعه حاکمیت شرکتی
مسئولیت اجتماعی شرکت ها
اقتصاد ملی
پایداری کسب و کار

روزنامه نگاری اقتصادی

مركز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی
کسب و کار مسئولانه
مطبوعات رسانه خبرنگاران

Handbook of Corporate Governance For Business Journalism



کتابچه راهنمای

حاکمیت و مسئولیت شرکتی
برای روزنامه نگاری اقتصادی

www.csiran.com

کتابچه راهنمای حاکمیت و مسئولیت شرکتی برای روزنامه نگاران اقتصادی

ترجمه مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی

www.csiran.com

www.cgiran.org

Contents

۵	پیش گفتار
۶	پیش گفتار
۸	چرا کتابچه راهنمای حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاران تهیه شد؟
۱۰	حاکمیت شرکتی چیست و چرا اهمیت دارد؟
۱۰	حاکمیت شرکتی چیست؟
۱۱	اصل تفکیک قدرت و حاکمیت شرکتی
۱۱	کار حاکمیت شرکتی چیست؟
۱۳	مزایای استفاده از شیوه های خوب حاکمیت
۱۵	نقش حاکمیت شرکتی در جلوگیری از فساد و انحراف
۱۶	توسعه پایدار
۱۸	توسعه حاکمیت شرکتی در سطح جهان و در ترکیه
۱۸	حاکمیت شرکتی در جهان
۱۹	حاکمیت شرکتی در ترکیه
۲۲	نقش داوری در اختلاف نظرهای حاکمیت
۲۳	اهمیت توسعه فضای سرمایه گذاری
۲۵	مکانیزم های استقرار حاکمیت شرکتی
۲۵	جداسازی مالکیت شرکت با حاکمیت و نظام راهبری شرکت
۳۱	سیستم کنترل داخلی
۳۵	حسابرسی داخلی
۳۵	گزارش دهی مالی و حسابرسی مستقل

۳۸ حسابرسی مستقل
۳۹ نظر حسابرس
۴۲ اهمیت حاکمیت شرکتی برای شرکت های خانوادگی
۴۹ قوانین و مقررات
۴۹ شیوه های حاکمیت شرکتی و کمیسیون بازار سرمایه (مقام ناظر)
۵۶ حاکمیت شرکتی و روزنامه نگاری اقتصادی
۵۶ اهمیت حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاران اقتصادی
۵۷ نقش روزنامه نگار کسب و کار در پیاده سازی شیوه های حاکمیت شرکتی
۵۸ حاکمیت شرکتی در کانون اخبار
۶۴ اصول اخلاقی انجمن روزنامه نگاران اقتصادی

پیش گفتار

کتابچه حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاری، بینش قابل توجه و تازه ای از تلاش های صورت گرفته توسط انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه ارائه می دهد. از سال ۲۰۰۳ زمینه کاری انجمن فوق به شرکت های دولتی، خصوصی، پروژه های دولتی، شرکتی های غیر دولتی و باشگاه های ورزشی توسعه پیدا کرد و تا کنون انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه توانسته است با کتابچه های خود که راهکارهای تئوری و عملی در اختیار قرار می دهد، نقش رهبری خود را حفظ کند.

رسانه ها با ارتباط نزدیکی که با دنیای کسب و کار دارند و همچنین با استفاده از آخرین پیشرفت های فن آوری، گستره و تاثیر خود را بطور روزانه افزایش می دهند. در حالی که روزنامه نگاران سعی دارند شیوه های مدیریتی را بطور منصفانه، شفاف، و مسئولانه انجام دهند، حاکمیت شرکتی از طرف همه سهامداران هدفش شکل دادن به شیوه های می باشد. رسانه ها در زمینه آموزش حاکمیت شرکتی، نقش و مزایای آن برای دنیای کسب و کار، سرمایه گذاران آن، و آحاد مردم نقش کلیدی دارند.

در نتیجه قوانین و مقررات های جدید، باید چگونگی بررسی مجدد شیوه های حاکمیت شرکتی به چالش گرفته شود. هدف مشترک این است که چارچوبی در اختیار روزنامه نگاران قرار گیرد تا آنها بتوانند شیوه های حاکمیت شرکتی که در سطح بین المللی پذیرفته شده است را بشناسند، درباره محتوای آن سوال کنند و پیشنهادات خود را ارائه دهند. هدف ما از نوشتن این اثر آن است که اطلاعات و منابع مورد نیاز را در اختیار روزنامه نگاران قرار دهیم تا آنها نیز بتوانند به موقع و بطور مشروح اطلاعات صحیح و همچنین شیوه ها و استانداردهای بین المللی تحقیق و نمونه های موفق بین المللی را در اختیار عموم قرار دهند.

این کتابچه و پروژه ای که در مسیر تهیه این کتابچه آغاز شده، حاصل تلاش مشترک انجمن روزنامه نگاری، دانشگاه باغچه شهیر است. از کلیه کسانی که ما را با جدیت های قابل توجه خود در انجام پروژه ها یاری رساندند تا بتوانیم شیوه های حاکمیت شرکتی را به اطلاع عموم برسانیم قدردانی می کنیم، از جمله اعضای انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه. همچنین امیدواریم که این اثر ارزشمند به کارشناسانی که در اول مسیر خود هستند و مایل به پیشرفت در این زمینه می باشند بتواند یاری برساند.

محرم ییلماز

رئیس انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه

پیش گفتار

چندین مفاهیم مشخص وجود دارد که برای پیشرفت در دنیای اقتصاد چه در سطح بین المللی و چه در ترکیه ضروری هستند. در حال حاضر شیوه های حاکمیت شرکتی، نقش کلیدی ایفا می کند و زمانی که پیشرفت های اقتصادی را دقیقتر از نظر می گذرانیم می بینیم که این شیوه های به به استانداردهای حرفه ای دستیافته است.

با توجه به تنوع و سرعت بالا در اقتصاد ترکیه، افزایش اطلاعات برای روزنامه نگاری کسب و کار به یک نیاز مبدل شده است. شیوه های حاکمیت شرکتی شامل ابزار مهمی است که کار بررسی دقیق اطلاعات و تحلیل ها را بر طبق شیوه های شفافیت، انصاف، پاسخگویی و مسئولیت پذیری فراهم می کند.

در نتیجه تلاش مشترک انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه و انجمن روزنامه نگاران کسب و کار، من معتقد هستم که بستر مناسبی برای فرآیندهای مهم مهیا شده است که این امر ریشه در احساس نیاز به فراهم آوردن اطلاعات برای رسانه های اقتصادی بصورت یک مرجع و همچنین در اختیار قرار دادن درک درستی از حاکمیت شرکتی دارد.

با دستیابی به درک قابل قبولی، ما همکاران خود را در مسیر ارزیابی منتقدانه از توسعه های بین المللی ، تحلیل دقیق اطلاعات، و بنابراین داشتن بهترین عملکرد، توانمند خواهیم ساخت.

بعنوان عضوی از انجمن روزنامه نگاران کسب و کار، به انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه به خاطر همکاری که در زمینه آموزش حین خدمت از خود نشان دادند تبریک می گویم. من مایل هستم از طرف روزنامه نگاری اقتصادی ترکیه که در مسیر تعالی حرکت می کند تشکر و قدردانی خود را ابراز دارم.

سلال توپرک

رئیس هیئت مدیره انجمن روزنامه نگاران کسب و کار

درباره انجمن حاکمیت شرکتی ترکیه

این انجمن که در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده است سازمانی است غیر دولتی که ماموریتش رهبری و راهنمایی بخش های دولتی و خصوصی در زمینه اتخاذ، پیاده سازی و اجرا دقیق شیوه های حاکمیت شرکتی و همچنین حفظ این شیوه های است. همچنین این انجمن تلاش دارد تا زمینه شناخت و توسعه حاکمیت شرکتی را فراهم آورد و در ترکیه بهترین شیوه ها را پیاده کند.

با اعطا دسترسی اعضا به اطلاعات انجمن حاکمیت شرکتی از طریق مجموعه مقالات، گزارش تحقیق ها، ماهنامه ها و دیگر انتشارات و همچنین وبسایت این انجمن اعضا خواهند توانست:

- شبکه ارتباطی خود را از طریق فعالیت های اجتماعی همچون فعالیت هایی با موضوعیت خاص و همچنین جلسات آخر سال توسعه دهند.

- بطور انحصاری حق شرکت در سمینارها و کنفرانس های بین المللی را بدست آورند.

- در برنامه های آموزشی و کارگروه های مطالعاتی که با همکاری دیگر نهادها برگزار می شود شرکت کنند و همچنین از فرصت های عضویت که بصورت فردی و سازمانی طراحی شده است بهره مند شوند.

- بتوانند توصیه هایی را تهیه کنند، بنابراین هدایت آنها در زمینه موضوعات حاکمیت شرکتی در کشورمان. www.tkyd.org

درباره انجمن روزنامه نگاران کسب و کار

با داشتن ۶۰۰ روزنامه نگار در سال ۲۰۰۷، این انجمن به کار خود در زمینه ارائه کلاس های زبان های خارجی، فعالیت های آموزشی، و برنامه های سمیناری حرفه ای ادامه می دهد. با ارائه همکاری با رسانه های تصویری و چاپی، رادیو، اینترنت، و آژانس های خبری، انجمن روزنامه نگاران کسب و کار توانست کارشناسانی بعنوان اعضا مشاور سازمانشان از صنایع روابط عمومی در خدمت بگیرد.

www.ekonomigazetecileri.org

چرا کتابچه راهنمای حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاران تهیه شد؟

حاکمیت شرکتی مجموعه ای از بهترین نمونه هایی است که به بخش های مختلفی از جمله شرکت های خصوصی، دولتی، مراکز کار آفرینی دولتی، سازمان های مدنی و همچنین باشگاه های ورزشی ارائه شده است. در تشریح این شیوه های میتوان گفت که استانداردهایی در زمینه جهت دهی استراتژیک و کنترل شرکت ها است. این شیوه ها در عصری که بحران های اقتصادی و رسوایی ها در شرکت ها بطور روزافزونی در حال اتفاق افتادن است، در بین مردم از اقبال بالایی برخوردار شده است.

روزنامه نگاران اقتصادی در جامعه نقشی کلیدی در زمینه های اطلاع رسانی، رهبری و تصمیم گیری دارند. بنابراین ضروری است که آنها بطور موثری چشم انداز حاکمیت شرکتی را در همه موارد از اخبار و گزارش ها گرفته تا نظرات و ارزیابی هایشان، بطور برجسته بیان کنند، و اساس موضوعات موجود در زمینه حاکمیت شرکتی را درک کنند تا بتوانند مشکلات را شناسایی کنند و اقدامات قانونی در پیش گیرند. همچنین پر واضح است که آن دسته از روزنامه نگاران اقتصادی که به وظیفه خود با این دیدگاه عمل می کنند، نقشی کلیدی در گسترش شیوه های حاکمیت شرکتی در دنیای کسب و کار، سرمایه گذاران و همچنین کل جامعه ایفا می کنند.

می توان اینطور گفت که بسیاری از مشکلاتی که امروزه در زمینه حاکمیت شرکتی وجود دارد ریشه در عدم وجود شیوه های حاکمیت شرکتی دارد. بنابراین، درک فلسفه حاکمیت شرکتی توسط روزنامه نگاران اقتصادی در اخبار، گزارش ها، تحلیل ها، و نظراتشان به احتمال قوی می تواند موجب ایجاد درک در میان موسسات و در نهایت در اقتصاد شود. "کتابچه حاکمیت شرکتی ها برای روزنامه نگاری اقتصادی" برای کمک به روزنامه نگاران اقتصادی تهیه شده است تا آنها درک بهتری از موضوعات حاکمیت شرکتی بدست آورند و با طرح سوالات صحیح به یافته هایی مهم دست پیدا کنند و آن یافته ها را با عموم در میان گذارند.

"شیوه های حاکمیت شرکتی" تحت رهبری سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۱۹۹۹ با استفاده از درسهایی که از بعضی بحران های اقتصادی معین و رسوایی های شرکت ها گرفته شده بود، شکل گرفت. تلاش شد تا این شیوه های بر پایه انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری بنا نهاده شوند. با توجه به این گفته که "یک سایز بر تن همه نمی رود" توسعه این شیوه های با این ایده انجام گرفت که هر کشور باید بر اساس فرهنگ و واقعیات خود مجموعه ای از شیوه های حاکمیت شرکتی را داشته باشد. هر چند هر کشور سعی کرده شیوه های خود را داشته باشد ولی اساس اجرا کردن این شیوه های یکسان است. در این برهه از زمان، استفاده از شیوه های حاکمیت شرکتی بعنوان ابزاری برای ارزیابی می تواند فرصت بررسی، مقایسه، و بحث درباره این موضوع را با استناد به استانداردهای بین المللی فراهم کند. در زمانی که همه درباره جهانی کردن اقتصاد و از بین بردن مرزها صحبت می کنند، کتابچه حاکمیت شرکتی ها برای روزنامه نگاری

اقتصادی بطور قطع می تواند اهمیت استفاده از استانداردهای بین المللی بعنوان اساس را بر ما روشن کند.

اهمیت این اثر در این است که اولین قدم از یک پروژه بلند مدت است و هدفش آغاز کردن بحث در باره موضوع یاد شده است. این اثر چنان نگاشته شده است که مورد استفاده برای آندسته از دانشجویانی که به روزنامه نگاری اقتصادی بعنوان یک شغل می نگرند، کارشناسانی که به تازگی کار خود را شروع کرده اند و روزنامه نگاران اقتصادی که بطور مستمر خواهان پیشرفت خود هستند و همچنین سهامداران که در ارتباط دائم با گروه یاد شده باشند قرار گیرد. این سهامداران ممکن است به بخش خصوصی و یا دولتی متعلق باشند و از طریق کنفرانس های خبری، مصاحبه ها، گزارش ها، آژانس های روابط عمومی، و راه های زیاد دیگر با روزنامه نگاران اقتصادی در ارتباط باشند. هدف کتابچه حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاری اقتصادی ، برآوردن انتظارات این دسته از روزنامه نگاران تا بدانجا است که به آنها در انجام کارهایشان بر اساس استانداردهای خواسته شده یاری رساند.

حاکمیت شرکتی چیست و چرا اهمیت دارد؟

حاکمیت شرکتی چیست؟

حاکمیت شرکتی مجموعه ای از استانداردها است که خط مشی، روش ها، و بهترین شیوه ها را در رابطه با جهت دهی استراتژیک و کنترل شرکت تعریف می کند. حاکمیت شرکتی توازن قدرت در بین سه مجموعه زیر را حفظ می کند:

- هیات مدیره که مسئول هدایت و نظارت بر شرکت است.
- سهامداران که سرمایه گذاری و بودجه لازم را برای شرکت فراهم می کنند، و به همین دلیل حق انتخاب و یا اخراج هیات مدیره را دارند.
- مدیریت اجرایی که توسط هیات مدیره برای انجام کارهای شرکت استخدام میشود.

هیات مدیره نماینده منافع سهامداران و ذینفعان است و آنها وظایف تیم مدیریت را تعیین و آنها را در کارها هدایت می کنند. از نقطه نظر قانونی، در نهایت این هیات مدیره است که مسئول انجام امور شرکت می باشد. بنابراین، آنها همیشه در کانون اجرای شیوه های حاکمیت شرکتی قرار دارند.

هیات مدیره توسط سهامداران انتخاب می شود و بعنوان رئیس اجرایی شیوه های حاکمیت شرکتی عمل می کند. هیات مدیره سپس تیم مدیریت را استخدام می کند که با داشتن یک مدیر عامل در راس، مسئول عملکرد کلی شرکت خواهند بود. با این وجود این هیات مدیره است که در نهایت مسئولیت حفظ یکپارچگی شرکت و سرمایه سهامداران را بر عهده دارد.

شیوه های حاکمیت شرکتی، می بایست عملیات موثر مدل اصلی زیر را در پی داشته باشد:

- سهامداران هیات مدیره را انتخاب می کنند.
- هیات مدیره پس از رای گیری درباره موضوعات مهم، تصمیماتی اتخاذ می کند (مکانیسم تصمیم سازی)
- تصمیمات می بایست بطور شفاف اتخاذ شود، بنحوی که سهامداران هیات مدیره را مسئول پی آمدهای آن تصمیمات بدانند. به کلام دیگر هیات مدیره قادر باشد در باره آنها توضیح دهد.
- اطلاعات مالی و دیگر اطلاعاتی که می بایست در اختیار سهامداران، سرمایه گذاران و دیگر ذینفعان قرار گیرد با اجرا سیاست های مالی که با نظارت هیات مدیره شرکت است، تهیه می شود.
- سیاست ها و دستورالعمل ها بر طبق مقررات جاری تنظیم و اعمال می شوند.

اصل تفکیک قدرت و حاکمیت شرکتی

همانطور که همه نهادها تحت یک رهبری فعالیت می کنند، اصل تفکیک قدرت، بخش اصلی مدیریت خوب یک شرکت را به خود اختصاص می دهد. اصل تفکیک قدرت، یک سیستم دموکراتیک را به ارمغان می آورد، سیستمی که بهترین شکل حاکمیت را با توسل به انجام وظایف اجرایی، قانونی و قضایی و بصورت مستقل از هم بدست می دهد. پیروی از همین اصل باعث بوجود آمدن بهترین نوع حاکمیت برای یک شرکت می شود. به عبارت دیگر، به نظم در آوردن فرایند تصمیم گیری و بخش های اجرایی و بازرسی و مستقل کردن آنها از یکدیگر برای حاکمیت موثر و مسئولانه یک شرکت حیاتی است. مهمترین بخش تصمیم گیری که سه بخش یاد شده باید به آن گزارش دهند هیات مدیره می باشد. آنها نیز به نمایندگی از سهامداران و ذینفعان به فعالیت می پردازند.

کار حاکمیت شرکتی چیست؟

یک شرکت را می توان بطور ساده اینگونه تعریف کرد: یک شرکت مکانیسمی است که ورودی های مواد خام، کار، سرمایه مادی، و سرمایه فکری را به سود تبدیل می کند. تا اینجا حاکمیت شرکتی موارد پیش روی را بدون اینکه منافع سهامداران و ذینفعان در یک شرکت نفی شود، تنظیم می کند:

- اثر بخشی و کارایی فرآیند تبدیل ورودی هایی که در بالا از آنها نام برده شد،
- این سوال که "چقدر سود توسط چه کسی نگه داشته شده است"،
- موضوعاتی که در صورت یکی نبودن مالک شرکت، مدیر و بازرس شرکت پیش می آید.

شیوه های حاکمیت شرکتی نه تنها برای شرکت های دولتی مهم هستند، بلکه بمنظور افزایش بهره وری، کم کردن اختلاف سلیقه های درون شرکتی، و انتقال آسان پست ها و دارایی ها برای شرکت های کوچک و متوسط خصوصی حائز اهمیت هستند.

سهامداران

علاوه بر هیات مدیره، سهامداران و مدیریت اجرایی، ذینفعان دیگری نیز هستند که در فعالیت شرکت اهمیت فراوان دارند. اعتبار دهندگان به شرکت، موسسات مالی که اعتبار می دهند، کارمندان، تامین کنندگان، مشتریان، و ماموران امور مالیاتی از جمله مهمترین دسته از همین ذینفعان به شمار می آیند.

این دسته از ذی نفعان می توانند بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به عملکرد مالی شرکت علاقه داشته باشند. در حالیکه اعضای هیات مدیره، مدیران و کارمندان شرکت حقوق و دیگر مزایا دریافت می کنند، سرمایه گذاران نیز انتظار دارند در برابر مقدار سرمایه گذاری خود سود بدست بیاورند. در حالیکه سرمایه گذاران به سود دریافتی خود فکر می کنند، توجه سهامداران به توزیع آن است. در حالیکه نگرانی اصلی مشتریان دریافت بدون وقفه خدمات و کالاهای با کیفیت است، نگرانی تامین کنندگان مواد مورد نیاز شرکت، تداوم کار و مجموعه کالاها و خدماتی است که آنها بفروش می رسانند. و جدای از آنچه عنوان شد دولت در پی دریافت مالیات های به موقع و بطور کامل می باشد.

در دنیای کسب و کار، مهمترین چالشی که یک شرکت برای ورود به رابطه کاری با یک شرکت دیگر با آن مواجه است رسیدن به سود دهی قابل انتظار می باشد. بدست آوردن سود پیش بینی شده، مهمترین راه برای ایجاد اعتماد بین شرکت و ذینفعان می باشد. با دادن تعریف روشنی از قدرت و حیطه مسئولیت های هیات مدیره، مدیریت و بخش های کنترل کننده که از شیوه های حاکمیت شرکتی استفاده می کنند، اعتماد در شرکت بطور مستمر افزایش پیدا می کند.

در یک سیستم حاکمیت شرکتی کارآمد و موثر، مدیران تشویق می شوند طوری عمل کنند که بیشترین منفعت شرکت و سهامداران بدست آید. بعلاوه، بازرسی و حسابرسی باید بطور مستمر انجام شود تا درباره عملکرد و فعالیت های شرکت توضیح داده شود.

همیشه افراد برای استفاده بهینه از منابع شرکت تشویق می شوند. بنابراین، سیستم حاکمیت شرکتی مجموعه استانداردهایی است که بعنوان مهمترین وسیله برای بالا رفتن بهره‌وری اقتصادی در میان سهامداران، هیات مدیره، مدیریت، و ذینفعان که در بالا از آنها نام برده شد، از طریق همکاری و توافق مشترک مورد استفاده واقع می شود.

شیوه های حاکمیت شرکتی

اساس حاکمیت شرکتی بر مجموعه ای از چهار بنا نهاده شده است:

شفافیت

شفافیت یعنی نیاز جامعه به دانستن اطلاعات دقیق، روشن، و قابل قیاس در زمان و مکانی مناسب. زیرا سرمایه گذاران برای هدایت موثر سرمایه خود به اطلاعات دقیق و رضایت بخش مالی و غیر مالی احتیاج دارند. بنابراین، در افشا کردن عملکرد گذشته، اهداف آینده و ریسک های عمده احتمالی سرمایه گذاری به سرمایه گذاران از ویژگی های یک حاکمیت شرکتی موثر است. علاوه بر این، در حالیکه فاکتورهای عملکرد، اهداف و ریسک سرمایه گذاری، خصوصیات یک شرکت را بطور شفاف در اختیار عموم قرار می دهد، این عوامل موجب بهتر شدن تصویر شرکت در نظر سرمایه گذاران و سهامداران خواهد شد. اصل شفافیت، عوامل اجرایی یک شرکت را به ارزیابی فعالیت های شرکت، قبل، در خلال و پس از انجام آنها ترغیب می کند.

پاسخگویی

چارچوب حاکمیت شرکتی می بایست شامل راهنما استراتژیک شرکت، نظارت موثر بر مدیریت شرکت توسط هیات مدیره و پاسخگو بودن هیات مدیره در برابر شرکت و سهامداران باشد.

انصاف برخورد یکسان با سهامداران

انصاف یعنی برخورد یکسان مدیریت شرکت با کلیه سهامداران آن. بر اساس همین اصل است که حقوق سهامداران از جمله سهامداران جز و ذی نفعان بیرونی شرکت رعایت می شود.

مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری یعنی ایجاد سود برای سهامداران و اداره شرکت بر اساس قواعد و مقررات هایی که تبلوری از ارزش های جامعه است. با این وجود، شیوه های حاکمیت شرکتی تاکید می کند که قوانین عمومی، حداقل استانداردها برای مسئولیت های اجتماعی هستند. مسئولیت پذیری نهایی که برای شرکت نشان داده می شود، فراتر از تعهدات قانونی است.

مزایای استفاده از شیوه های خوب حاکمیت

مطالعات نشان می دهد که ۸۴ درصد از سرمایه گذاران شرکت های بزرگ حاضرند پول بیشتری به شرکتی بپردازند که از شیوه های حاکمیت خوبی پیروی می کند، در مقابل یک شرکت که دارای شیوه های حاکمیت خوبی نیست، حتی اگر هر دوی این شرکت ها دارای ساختار مالی مشابه باشند.

مفهوم یک حاکمیت شرکتی مطلوب و موثر از این قرار است:

- امکان دسترسی به بازارهای مالی و سرمایه را ممکن می سازد.
- یک سیستم کنترل کننده موثر داخلی ایجاد می کند که پاسخگویی و سود بیشتر را به همراه می آورد.
- به شرکت امکان ادامه حیات در محیطی می دهد که ادغام و مالکیت و شریک شدن بطور روزافزونی در حال روی دادن است.
- حاکمیت شرکتی را با ایجاد یک استراتژی قوی که سرمایه گذاران را مجذوب خود می کند، تقویت می کند.
- ارتباط بین سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان به شرکت را از طریق شیوه مدیریتی شفاف تسهیل می کند.
- به جلوگیری از بحران های بانکی حتی در کشورهایی که دارای بازارهای سرمایه غیر پیشرفته هستند کمک می کند.
- از سهامداران جزء و اقلیت و سرمایه هایشان حفاظت می کند.
- امکان فساد و انحراف را با استفاده از ساختار کنترلی درون شرکتی که بر مبنای شیوه های شفافیت و پاسخگویی بنا نهاده شده است کاهش می دهد.
- برنامه ریزی و روند انتقال مالکیت و همچنین پایین آوردن احتمال عدم توافق را ممکن می سازد.

از طرف دیگر، مفهوم یک حاکمیت شرکتی ضعیف و ناکارآمد از این قرار است:

- بعلت تاثیر منفی بر سرمایه گذاران، عدم وجود رقابت، و محدود کردن امکان استخدام، به سختی قادر به جذب سرمایه گذار است. در نهایت این روند ممکن است باعث بروز ریسکهایی شود که شرکت را بطور کامل از بازار خارج سازد.
- محیطی بوجود می آورد که مدیران اجرایی شرکت (هیات مدیره و منصوبین) بدنبال منافع شخصی خود هستند و بجای حفاظت از منافع سهامداران، اعتبار دهندگان و دیگر عوامل مرتبط با شرکت، از دارایی های شرکت سو استفاده می کنند.
- ممکن است باعث تصویب مقررات بسیار زیادی شود که در نهایت موجب محدود شدن رشد شرکت

گردد و مسئولان را در موقعیتی قرار دهد که قوانین را یکبار دیگر بررسی کنند.

نقش حاکمیت شرکتی در جلوگیری از فساد و انحراف

با بررسی یافته‌های بارومتر جهانی فساد در سال ۲۰۱۰، که یک نظر سنجی بین‌المللی توسط سازمان جهانی شفافیت است، می‌بینیم که از هر ۱۰ نفر ۶ نفر معتقد هستند که در سه سال اخیر نرخ فساد، افزایش یافته است، و از هر ۴ نفر ۱ نفر بیان داشتند که در سال گذشته رشوه پرداخت کرده‌اند. به نظر عموم، بیشترین جاهایی که فساد در آنها افزایش داشته است اروپا (با ۷۳ درصد) و آمریکای شمالی (با ۶۷ درصد) بوده است. مطالعه‌ای که در ترکیه انجام گرفت نیز همین یافته‌ها را نشان می‌دهد. از مجموع شرکت‌کنندگان در نظر سنجی ۵۷ درصد معتقد هستند که در سه سال اخیر فساد در ترکیه افزایش داشته است. همچنین ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان داشتند که حداقل از هر ۹ خدمتی که در ۱۲ ماه اخیر دریافت کرده‌اند (گمرک، آموزش و پرورش، نهادها، سازمان ثبت اسناد و املاک، خدمات درمانی، پلیس، نهادهای صدور مجوز و ثبت، اداره مالیات، برق، آب، گاز و غیره) در یکی از آنها رشوه پرداخته‌اند. این ارقام در مقایسه با ارقام دیگر کشورها بسیار بالا هستند. این رقم در سطح جهانی ۲۵ درصد، کشورهای انجمن اروپا ۵ درصد، و کشورهای بالکان غربی که ترکیه نیز جز آنها است ۱۹ درصد می‌باشد.

در پایان این نظر سنجی، نظر شرکت‌کنندگان در باره مبارزه علیه فساد دولتی جویا شده بود که ۵۹ درصد بیان کردند که مبارزه علیه سیاست‌های فاسد دولت، موثر است و ۴۰ درصد نیز عنوان کردند که مبارزه علیه فساد دولتی کافی نمی‌باشد. نتایج نظر سنجی نشان می‌دهد که فساد دولتی در ترکیه هنوز یکی از بزرگترین مشکلات این کشور است و به نظر مردم علیرغم تلاش‌هایی که برای جلوگیری از وقوع آن شده است، فساد دولتی گسترده شده است. از آنجا که بارومتر جهانی فساد در نتیجه تجربه شخصی افراد و درک آنها از موضوع است، نتیجه نظر سنجی در ترکیه که نشان می‌دهد از هر ۳ نفر ۱ نفر رشوه پرداخت می‌کند، قابل توجه و در سطحی هشدار آمیز برای مسئولان امر است.

شفافیت مالی یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی می‌باشد که برای جلوگیری از فساد و مبارزه علیه رشوه استفاده می‌شود. یک ساختار کنترلی درون شرکتی، مکانیسم‌های موثرکنترل درون شرکتی و کنترل مستقل، شکل‌دهنده ورودی‌های اساسی مفهوم حاکمیت شرکتی می‌باشد که به مدیریت کمک می‌کند کارهای مدیریتی خود را انجام دهد.

امروزه سبک جدیدی پا به عرصه ظهور گذشته است. در این جهان، منافع شرکت با منافع جامعه و مسائل محیطی در تضاد نیست، و علاوه بر اقتصاد و چشم انداز متمرکز بر سود، مسئولیت پذیری شرکت ها نیز آغاز شده است.

"در جهان امروز، سرمایه های مالی و انسانی بزرگی در دست شرکت های بزرگ می باشد." کمیته حاکمیت شرکتی، آفریقای جنوبی

توسعه پایدار تعریف نظم اجتماعی امروز، استانداردهای زندگی، و مدل های کسب و کاری است، بنحوی که نسل های آینده بدون اینکه منابع طبیعی را بطور کامل استفاده کنند، ادامه حیات بدهند. مهمترین هدف توسعه پایدار افزایش ارزش سهامداران در دراز مدت، به حد اقل رساندن استفاده از منابع در تولید، افزایش بهره وری، و در نهایت کم کردن تاثیرات منفی تولید کردن بر محیط است.

مهمترین عواملی که این نظم را هدایت می کند به این ترتیب است:

- رشد جمعیت
- رشد جمعیت شهری
- افزایش مشکلات حوزه های درمانی، آموزش و پرورش، و دیگر موضوعات ضروری
- احتیاج روزافزون به منابع طبیعی همچون آب، معدن و غیره
- احتیاج روزافزون به انرژی و امنیت عرضه انرژی
- افزایش مصرف در موازات با توسعه اقتصادی
- تغییرات آب و هوا
- مشکلات زیست محیطی

این نظم جدید جهانی از طریق توافق مشترک بین بخش خصوصی، دولتی و دیگر بخش های جامعه که ارتباط نزدیکی با این موضوع دارند شکل می گیرد. نوآوری های فن آوری (فن آوری های جدیدی که بهره وری و خودرو های برقی را افزایش و همچنین فن آوری های جدیدی که فرآیندها را تغییر می دهد)، تغییرات سبک زندگی (مصرف آنچه بدان احتیاج داری)، هدایت جامعه از طریق مکانیسم های مختلف (قوانین مربوط به محیط زیست، مالیات، مقررات مربوط به مواد تشکیل دهنده کالا، بازارهای کربن و غیره) نقش مهمی در جریان این تغییر دارند.

حاکمیت شرکتی و توسعه پایدار ارتباط نزدیکی با هم دارند. گام هایی که باید برای توسعه پایدار برداشته شود ممکن است از نقطه نظر معیارهای سرمایه گذاری مالی در شرایطی که بی ثباتی وجود دارد و امور غیر قابل پیش بینی پیش می آید، سبب نگرانی هایی شود. در بعضی موارد ممکن است درک دقیق ریسکاتی که مربوط به توسعه پایدار است با مشکلاتی روبرو شود. توسعه پایدار ترویج کننده ایجاد ارتباط با سهامداران و برداشتن گام هایی بسوی توافق مشترک است. توسعه پایدار همچنین باعث ایجاد انگیزه بین کارمندان می شود. تصمیماتی که با توجه به توسعه پایدار گرفته می شود ضامن بقای طولانی مدت شرکت است. به اعتقاد سرمایه داران، بقای شرکت و عملکرد موفقیت آمیز آن، بخصوص که از طریق حاکمیت شرکتی بدست آمده باشد، از قابل توجه ترین معیارها است.

توسعه حاکمیت شرکتی در سطح جهان و در ترکیه

حاکمیت شرکتی در جهان

با نگاهی به موارد ورشکستگی شرکت ها، مشاهده می کنیم که در بعضی موارد شرکت ها طوری مدیریت شده اند که منافع مدیریت اجرایی شرکت تامین شود و نه سهامداران. عدم توانایی در کنترل نحوه مدیریت یک شرکت توسط سهامداران و ذینفعان یکی از عواملی است که راه را برای از بین رفتن شرکت مهیا می کند .

پس از یک سری ورشکستگی ها و فقدان درک حاکمیت، سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) برای ارزیابی چشم انداز و عقیده کشورهای عضو در رابطه با حاکمیت شرکتی و همچنین برای ایجاد مجموعه ای از شیوه های غیر-الزامی، یک گروه مطالعاتی را تشکیل داد. هدف، ایجاد یک بستر هدایت کننده از طریق مقررات های قانونی و دیگر تلاش های نظارتی در رابطه با حاکمیت شرکتی بود که بوسیله کشورهای عضو به مرحله اجرا در می آمد. شعار "یک سایز بر تن همه نمی رود" توسط دبیر کل سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی آقای داندل جانستن¹ در صفحه اول نوشته شد و تشویق به اجرا مقررات هایی که یک کشور بنا به نیازهایشان تصویب می کند به یکی از اهداف اصلی مبدل گردید. عقیده دیگری که بطور عمومی پذیرفته شده بود این بود که شیوه های مورد نظر در زمان مقتضی قابل تغییر خواهد بود. هرچند این شیوه های مربوط به شرکت های بخش خصوصی می باشد و اولین کار مطالعاتی سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی تاکید بر به اجرا گذاشتن یافته ها برای شرکت های خصوصی دارد، توصیه شده است که اجرا یافته های مذکور به شرکت های دولتی کمک بیشتری خواهد کرد .

شیوه های حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، که توسط شورای وزیران این سازمان در سال ۱۹۹۹ بتصویب رسید، به یک مرجع بین المللی برای تصمیم گیران، سرمایه گذاران، شرکت ها، و سهامداران در اقصا نقاط دنیا مبدل گردیده است. از زمانی که این شیوه های به تصویب رسید، مفهوم حاکمیت شرکتی در دستور کارها قرار گرفته است. این شیوه های همچنین برای ابتکار عمل های قانونی و مقرراتی بین کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی و دیگران، به راهنما تبدیل شده است. با توجه به رسوایی های شرکت ها در سال های اخیر، حاکمیت شرکتی بسرعت جایی برای خود در دستور کار شرکت ها پیدا و به احتمال قوی در سال های آتی نیز جایگاه خود را حفظ خواهد کرد. افول یکباره شرکت های نمونه

¹ Donald J. Johnston

همچون انرون^۲، ورلد کام^۳، پارملات^۴ راه را برای بحث در باره حقیقت های شناخته شده "حاکمیت شرکتی" باز کرد. در پی رسوایی های شرکت ها در آمریکا، قانونی با عنوان "قانون Sarbanes-Oxley" بتصویب رسید. این قانون شامل مقررات های بسیار بنیانی برای بهبود شیوه های حاکمیت شرکتی در آمریکا می باشد. در آلمان نیز شیوه های حاکمیت شرکت ها بتصویب رسید و اجرای آن نیز الزامی شد. ژاپن قوانین مربوط به شرکت ها را مورد بررسی مجدد قرار داد و در آنها تغییرات اساسی اعمال کرد. به همین ترتیب، بسیاری از کشورهای دیگر قوانین جاری خود را بر اساس چارچوب شیوه های حاکمیت شرکتی تغییر دادند .

از فوریه سال ۲۰۰۲ تقریباً ۱۰ سال می گذارد. در زمان رسوایی شرکت انرون پس از اینکه سهام آن از ۸۰ دلار به ۲۵ سنت کاهش پیدا کرد. پس از انجام تحقیقاتی در خصوص این رسوایی بزرگ مشخص شد که مدیریت شرکت با استفاده از شیوه های غیر قانونی در پی افزایش منافع خود از طریق حقوق، پاداش، و سهام بودند. همچنین مشخص شد که شرکت های حسابرسی مستقل که به نمایندگی از طرف سرمایه گذار کار می کنند بر اساس مفاد قراردادشان عمل نمی کردند، و نهاد های نظارتی قادر نبودند راه خروجی از این فاجعه پیدا کنند. دیدن چنین شکست هایی در ساختار مدیریتی شرکتی که رتبه ۷ بازار بورس امریکا را داشت و داستان های مشابه، در نظر گرفتن اقدامات لازم را اجتناب ناپذیر کرد .

حاکمیت شرکتی در ترکیه

ترکیه که از نزدیک تحولات را زیر نظر داشت در سال ۲۰۰۱ راهنمایی را با عنوان "حاکمیت شرکتی: بهترین دستور العمل ها" تهیه کرد. این کار حاصل تلاش یک گروه مطالعاتی تحت انجمن کسب و کار و صنعت ترکیه بود. پس از انتشار این اثر، کمیسیون بازار سرمایه (مقام ناظر بازار بورس) نتیجه مطالعات خود را در سال ۲۰۰۳ با عنوان "شیوه های حاکمیت شرکتی" کمیسیون بازارهای سرمایه منتشر کرد. این اثر دو بار در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ و پس از بررسی تحولات و پیشرفت های بین المللی بروز رسانی شد. شیوه های حاکمیت شرکتی کمیسیون بازارهای سرمایه بر اساس ذهنیت "اجرا کن یا توضیح بده" قرار گرفته است. بنابراین آنها می بایست پیروی خود از این شیوه های را در قالب بیانیه ای توسط شرکت های ترکیه ای اعلام می کردند. پس از این بود که این شیوه های سرعت به بخشی از کارهای روزمره شرکت ها تبدیل گردید. یک سال بعد از آن، "بیانیه پیروی از حاکمیت شرکتی" نیز به یکی از الزامات گزارش های سالیانه تبدیل شد.

² Enron

³ Worldcom

⁴ Parmalat

پس از دوره ای که از آن بعنوان "دوره بحران بانکها" در تاریخ اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۰۱ یاد می کنند، "موسسه حسابرسی و مقررات بانکی" تصمیم گرفت در منشور نهادهای تضمین اعتبارات، تجدید نظر کند. یکی از عوامل مهم فائق آمدن بر بحران های بین المللی در سال ۲۰۰۸ و همچنین بحران های آینده، اجرا قانونی است که مملو از شیوه ها و شیوه های شرکتی بود. این قانون در سال ۲۰۰۵ اجرایی شد.

پس از انتشار شاخص حاکمیت شرکتی در سال ۲۰۰۷، سیر تحولات در حاکمیت شرکتی بازارهای سرمایه، سیر صعودی پیدا کرد. با فهرست رتبه بندی شده به بازار بورس استانبول که توسط موسسات تحت لیسانس کمیسیون بازارهای سرمایه کار میکردند و همچنین محاسبه شاخص که در اوت سال ۲۰۰۸ آغاز گردید، شاخص حاکمیت شرکتی تهیه گردید. تا اوت سال ۲۰۰۱ شاخص حاکمیت شرکتی دارای ۳۳ شرکت بود و فهرست بازار بورس استانبول در خلال بحران سال ۲۰۰۸ بالای ۱۰۰ بود. این یعنی تاثیر گرفتن کمتر بازار فوق از نوسانات تاثیر گذار که همین امر موجب بازگشت اعتماد به سرمایه گذاران شد.

شیوه های حاکمیت شرکتی که در وهله اول برای شرکت های خصوصی که سهام آنها در بازار سهام ارائه می شد تهیه شده بود، به بخش الزام آور شرکت های غیر خصوصی تبدیل گردید. به همین دلیل بسیاری از عناصر شیوه های حاکمیت شرکتی در "قانون تجاری جدید ترکیه" لحاظ گردید. این الحاقیه که از اول جولای ۲۰۱۲ قابل اجرا است، از نقطه نظر حاکمیت شرکتی، تغییرات بنیادی زیادی را در دنیای تجارت بوجود خواهد آورد. هدف از اجرا قانون تجاری جدید ترکیه، ایجاد ساختاری است که از طریق آن کلیه شرکت های مالی ترکیه بوسیله یک مجموعه از بهترین شیوه ها مدیریت شوند.

تأثیرات بر عملکرد شرکت

هدف اولیه تیم مدیریتی شرکت، افزایش ارزش شرکت و همچنین ایجاد ارزش افزوده برای سهامداران است. برای سهامداران مهم است که ارزش شرکت تحت تبعیت از شیوه های حاکمیت شرکتی انجام گیرد. در سالهای اخیر حاکمیت شرکتی به شیوه ای قابل توجه برای مدیریت موثرتر، با بهره وری بیشتر، و همچنین شفافتر برای شرکت ها تبدیل شده است. رسوایی های شرکت های بزرگی همچون انرون، ورلدکام، و پارملات در سال ۲۰۰۱ درس های قابل توجهی در زمینه درک تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت ها ارائه دادند.

روشن است که گزارش هایی که شرکت های نامبرده ارائه داده بودند بسیار خوب تهیه شده بود، چنان که در این گزارشات هیچگونه مورد هشدار دهنده ی درباره عملکرد شرکت ها دیده نشد. در ضمن، شرکت های حسابرسی که بطور مستقل عمل می کنند و اطلاعات دست اول را در اختیار داشتند به سهامداران در مورد

پیش آمدهایی که رخ داده بود اطلاع رسانی نکردند. وقتی آن بحران بوقوع پیوست، شرکت های حسابرسی بسیاری از بین رفتند زیرا اعتماد از آنها سلب شده بود. آنها بر خلاف استانداردهای حاکمیت شرکتی و شیوه های حسابرسی عمل کرده بودند.

زمانیکه عملکرد شرکت ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، نحوه عملکرد و شیوه های حاکمیت شرکتی بر روی کاغذ و مکتوب نوشته شده بود و در واقع بر اساس آنچه روی کاغذ وجود داشت شرکت ها داشتند بخوبی عمل می کردند و وقتی سیستم بخوبی کار نمی کرد، علائم هشدار آمیز به مسئولان امر نرسید. در حقیقت زمانی رسوایی ها علنی شدند که سیستم به آخر خط رسیده بود. مهم نبود که آیا شیوه های حاکمیت شرکتی در بنگاههای اقتصادی مدون و مستند شده بودند یا خیر، بلکه مهم آن بود که آیا این شیوه ها اجرا می شوند یا خیر. پس از اینچنین حوادثی، اعتماد به شرکت ها و موسسات حسابرسی به معضل تبدیل گردید.

پی آمد های اطلاعات ناقص و غیر قابل اطمینان به آنسوی مرزهای یک شرکت و حتی بازار سهام خواهد رسید. این امور حتی می توانند کل اقتصاد را تحت تاثیر خود قرار دهند.

مدیر عامل سابق شرکت PricewaterhouseCoopers آقای ساموئل دی پیازا

ایجاد یک هیات مدیره که از افراد مستقل و کارشناس تشکیل شده است برای ارزیابی دقیق و عینی از عملکرد مدیریت و همچنین برای شناسایی صحیح استراتژی شرکت حائز اهمیت زیادی است. هیات مدیره هایی که از افراد غیر فعال در زمینه مدیریت شرکت، مانند اعضای خانواده که می توانند در هیات مدیره باشند ولی حضور فعالی نیز ندارند، تشکیل شده است می توانند ارزیابی بهتر و انتقادی تری از تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیریت شرکت داشته باشند. آنها همچنین می توانند پیشنهادات خوبی ارائه دهند و همچنین می توانند تاثیر مثبتی بر عملکرد کلی شرکت داشته باشند.

یک مجموعه از استانداردهای حاکمیت شرکتی در برگیرنده منفعت هایی از جمله سود دهی بالا، ثبات، و توانایی پشت سر گذاردن بحران ها می باشد که در نتیجه ارزش کلی شرکت و همچنین سهام آن افزایش پیدا می کند. رعایت شیوه های شفافیت، اعتماد سهام داران را بالا می برد و به شرکت در پیدا کردن منابع، مشتری، کارمند و همچنین تامین کننده کمک می کند.

بانک دوپچه (Deutsche) در سال ۲۰۰۵ عملکرد شرکت هایی که در انگلیس مشغول فعالیت هستند را با یک دیگر مقایسه کرد. نتیجه این مطالعه نشان داد که عملکرد آندسته از شرکت هایی که هیات مدیره مستقل دارند دوازده و نیم درصد ۱۲٫۵٪ بهتر از دیگر شرکت ها می باشد.

نقش داوری در اختلاف نظرهای حاکمیت

اگر در شرکتی، حاکمیت شرکتی به خوبی اعمال نشود ریسک تضاد منافع بین سهامداران و ذینفعان افزایش پیدا می کند. هرچند این اخبار از امور مورد علاقه روزنامه نگاران کسب و کار است، ولی درک ریشه های این مشکلات ممکن است مسائل حادثه بیشتری را روشن کند. در حاکمیت شرکتی اختلاف نظرها و تضاد منافع ممکن است به شکل های مختلفی ظهور کند. این اختلاف نظرها را می توان بطور خلاصه اینچنین برشمرد:

تضاد منافع بین سهامداران و هیات مدیره: یک سهامدار و یا گروهی از سهامداران ممکن است ادعا کنند که حق آنها پایمال شده و ارزش سهام کاهش پیدا کرده است.

تضاد منافع بین هیات مدیره و مدیر عامل: هیات مدیره، مدیر عامل را استخدام می کند و به او مسئولیت مدیریت اجرایی شرکت را می دهد. هیات مدیره ممکن است عملکرد مدیر را زیر سوال ببرد و همچنین ممکن است از عملکرد مدیر ناراضی باشد. از طرف دیگر، مدیر نیز ممکن است در باره نحوه تصمیم گیری هیات مدیره نگرانی هایی داشته باشد. هر دوی این سناریوها ممکن است تاثیر منفی بر محیط شرکت و بهره وری آن داشته باشد و ارزش شرکت را کاهش دهد.

تضاد منافع بین اعضای هیات مدیره: در این شرایط رئیس هیات مدیره، مدیر عامل و دیگر مدیران اجرایی و یا اعضای غیر اجرایی ممکن است با هم اختلاف نظر داشته باشند.

تضاد منافع بین سهامداران خرد و عمده: شرکایی که بخش اعظمی از شرکت را در کنترل خود دارند ممکن است برایشان فرصت فروش منابع شرکت بوجود آید. فروش منابع ممکن است به نفع آنها و به ضرر سهامداران خرد باشد.

اختلاف نظر بین اعتبار دهندگان و سهامداران یا تیم مدیریت: در حالیکه اگر شرکتی با ورشکستگی روبرو شود ضرر و زیان آن به بانک یا موسسات اعتباردهی نیز خواهد رسید، آنها در سود بالای شرکت شریک نخواهند بود مگر اینکه سودی به آنها از طریق حساب هایی برسد که اخذ سود از آنها قابل دریافت باشد. به محض اینکه اعتباری از یک موسسه اخذ می شود، سهامداران و مدیریت ممکن است به سرمایه گذاری با ریسک بالا دست بزنند که در حالت عادی موسسه اعتبار دهنده ممکن است با آن موافق نباشد.

برای درک اختلاف نظرهایی که از طریق شیوه های حاکمیت شرکتی پیش می آید، نشان دادن نمونه اختلافاتی که در بالا از آن نام برده شد و اختلافات دیگر که در شرکت ها اتفاق می افتد به درک موضوع کمک می کند.

برای مثال، اختلاف نظر با تامین کننده درباره مفاد قرارداد ربطی به شیوه های حاکمیت شرکتی ندارد. اطلاعات مربوط به قرارداد بمنظور اطلاع دهی به هیات مدیره داده می شود، ولی مشکل پیش آمده توسط تیم مدیریت و با استفاده از سیاست ها و سلسله مراتب انجام کار حل خواهد شد. این بخش از کار ممکن است بعنوان اختلاف نظر در شیوه های حاکمیت شرکتی تلقی شود.

احتمال پیش آمدن اختلاف نظر در شرکت هایی که بر اساس شیوه های حاکمیت شرکتی مدیریت می شوند کم است. ولی شیوه های حاکمیت شرکتی خوب به این معنی نیست که اختلاف نظر پیش نمی آید. مهم این است که هیات مدیره، سرمایه گذاران، و دیگر سهامداران دارای سیاست و سلسله مراتب کاری سالمی باشند تا بتوانند در زمان مقتضی و از لحاظ هزینه به بهترین نحو ممکن اختلاف را حل کنند. به کلام روشنتر، هیات مدیره می بایست قبل از اینکه به شهرت و نام کالای تولیدی شرکت لطمه وارد شود اختلاف نظر را بطور موثر و در زمان مقتضی برطرف کند.

امروزه شیوه های سنتی (از طریق دادگاه و دستگاه های نظارتی) هزینه های زیادی برای حل اختلاف نظرهایی که قبلا از آنها نام برده شد بار می آورد. در ضمن فرآیند حل آنها نیز زمان بر است. سیستم قضایی در بسیاری از کشورها بسیار ضعیف و کند عمل می کند. بنابراین، شیوه های حل اختلاف انعطاف پذیر که از فرستادن پرونده به دادگاه جلوگیری به عمل می آورد در اقصی نقاط دنیا با اقبال مواجه شده است. این شیوه های رفع اختلاف معمولا بطور مستقیم عمل می کند. با توجه به مزایای این شیوه ها، بسیاری از دستگاه های نظارتی در دنیا شیوه های میانجی گرایانه را ترغیب می کنند.

اهمیت توسعه فضای سرمایه گذاری

جهانی شدن بازارهای مالی انتظارات مشابهی را برای سرمایه گذاران بین المللی بدون در نظر گرفتن کشور بوجود آورده است. بنابراین، انطباق شرکت ها با شیوه های خوب پذیرفته شده حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال پیشرفت تاثیر مثبتی بر اعتماد سرمایه گذاران خواهد داشت که در نتیجه همین موضوع، ارزش سهام شرکت و بدنبال آن حجم تجاری شرکت در بازار سهام افزایش پیدا خواهد کرد.

نتیجه تحقیقات دکتر ملسا آرات⁵ که در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت عملکردهای گوناگونی را نشان می دهد که در نتیجه به اجرا گذاشتن شیوه های حاکمیت شرکتی می باشد:

⁵ Dr. Melsa Ararat

- شرکت هایی که از حقوق سهامداران جزء خود محافظت می کنند، شفافتر عمل می کنند، بر روی یک زمینه کسب و کار تمرکز می کنند، و جایی که مالکیت آنها بطور گسترده ی توزیع شده است در برابر بحران های مالی مصون هستند.
- عملکرد شرکت هایی که در آنها سهامداران عمده سعی می کنند نفوذ خود را بر روی سهام از طریق رای دادن، ساختارهای هرمی و دیگر روش های مشابه افزایش دهند، در سطح نسبتا پایینی قرار دارد.
- شرکت هایی که در ساختار مالکیت خود و همچنین تلاش هیات مدیره از اصل شفافیت بهره می برند نه تنها سود دهی بالایی دارند بلکه سهام آنها نیز دارای ارزش بیشتری است.
- آن دسته از شرکت هایی که از اصل شفافیت پیروی می کنند قادر هستند منابع بیشتری جذب کنند.

اگر موسسه ای بتواند منابع مستقل بیشتری پیدا کند، سرمایه گذاری افزایش پیدا می کند که همین امر موجب رشد اقتصاد و در نتیجه کاهش بیکاری خواهد شد. عمل به شیوه های حاکمیت شرکتی اعتماد را نزد سرمایه گذاران را افزایش می دهد.

تحقیقات نشان می دهد در کشورهایی که حقوق مالکیت و سهامداران حفظ شده است بازارهای مالی می توانند سرمایه بیشتری را جذب کنند. بعلاوه، هزینه منابع در این کشورها بسیار کمتر است زیرا سرمایه گذاران سرمایه های خود را به کشورهایی می برند که احساس راحتی نسبت به آن دارند. عمل به شیوه های حاکمیت شرکتی تضمین کننده منابع صحیح برای سرمایه گذاری صحیح است که بر سیاستی کاری تاثیر مثبت می گذارد و مدیریت را بطرف انجام عملکردی صحیح سوق می دهد. به اجرا گذاشتن صحیح حاکمیت شرکت ها ریسکهای موجود در بازار را نیز کاهش می دهد.

مکانیزم های استقرار حاکمیت شرکتی

امروزه اثرات جهانی شدن بطور قابل توجه ای بر چگونگی انجام کسب و کار شرکت ها تاثیر داشته است. زمینه های رقابتی سرعت در حال تغییر هستند و همچنین بحرانهای جهانی، استانداردها و شیوه های جدیدی در رابطه با نقاط ضعف حاکمیت را مطرح می کند.

جداسازی مالکیت شرکت با حاکمیت و نظام راهبری شرکت

حاکمیت شرکتی مجموعه ی از اصول و شیوه هایی هستند که تلاش می کنند اثرات مشکلاتی که در اثر جداسازی مالکیت و حاکمیت و نظام راهبری و همچنین عوامل کنترل کننده شرکت بوجود می آید را به حداقل برسانند.

در ساختار شرکت های مدرن امروزی (بخصوص در میان شرکت های بازار بورس سهام) مالکیت شرکت از عوامل حاکمیت و کنترل شرکت جدا است. به عبارت دیگر، سهامداران (آنهايي که کسانی به نمایندگی از آنها فعالیت می کنند) و عوامل کنترل کننده و حاکمیت (کسانی که خود فعالیت می کنند - مانند هیات مدیره و مدیریت اجرایی) دو گروه متفاوت هستند. در این نوع ساختار، گروه سهامدار به نماینده قدرت می دهد و از آنها انجام کاری را طلب می کند. این رابطه همچنین از لحاظ قانونی در قانون تجارت لحاظ شده است. البته این نوع ساختار چالش هایی درونی بین منافع صاحبان شرکت و مدیران بوجود می آورد. در این حالت، شیوه های حاکمیت شرکتی تلاش می کند تا این ریسک که مدیران به منافع خود بیش از صاحبان شرکت توجه کنند را کم کند. آنچه در پی می آید عواملی است که می تواند تضاد منافع را بوجود بیاورد. تضاد منافع مهمترین دلیل بوجود آمدن مشکلات رهبری شرکت ها در زمان جدا سازی سهامداران / مالکان (آنانکه صاحب شرکت هستند) با مدیریت (هیات مدیره و مدیریت) می باشد.

- نگرش و برداشت صاحبان شرکت و مدیران آن از ریسک متفاوت است. صاحبان شرکت در مورد ریسک کردن محافظه کارتر هستند، در حالیکه مدیران شرکت بنا به اهدافشان مایل هستند دست به ریسک های بزرگتری بزنند.
- در حالیکه بسیاری از مدیران حقوق ثابتی دارند، درآمد صاحبان شرکت ها از طریق سود حاصل از فعالیت شرکت تامین می شود.
- از آنجایی که مالکیت شرکت از عوامل کنترل کننده آن جدا است، صاحبان شرکت ها در روند تصمیم گیری های شرکت دخالتی ندارند و به مدیران اجازه تصمیم گیری می دهند.
- اطلاعات نامتقارن: زمانی است که مدیریت از صاحبان شرکت اطلاعات بیشتری داشته باشد. بطور کلی

زمانی که مدیر شرکت درباره کار شرکت و عملکرد آن، اطلاعات بسیار بیشتری داشته باشند.

هیات مدیره

هیات مدیره در مرکز شیوه های حاکمیت شرکتی یک شرکت است. هیات مدیره به همراه مدیریت و دیگر دست اندر کاران، بالاترین سطح تصمیم گیری شرکت را تشکیل می دهند. امروزه، انتظارات سهامداران و ذینفعان از هیات مدیره نشانگر آن است که هیات مدیره به اولین پاسخگو به مشکلاتی است که پیش می آید. بطور اعم، هیات مدیره مسئول هدایت و تداوم حیات شرکت است. حوزه مسئولیت هیات مدیره را می توان بصورت زیر عنوان کرد:

- شناسایی اهداف کوتاه و بلند مدت شرکت.
- بررسی استراتژی های اجرا شده به منظور رسیدن به اهداف شرکت.
- نظارت بر عملکرد استراتژیک و مالی شرکت و بکار بستن اقدامات اصلاحی در صورت نیاز.
- بخدمت گرفتن مدیر عامل، نظارت بر عملکرد او و تعیین حقوق و مزایای ایشان.
- اطمینان حاصل کردن از توانایی تیم هیات مدیره، کمیته هایش و همچنین مدیریت عالی شرکت و سازگاری این افراد با یکدیگر و اینکه آنها در مسیری سازنده برای رسیدن به اهداف حاکمیت شرکتی قدم بر می دارند.
- ایجاد و بکار گیری یک خط مشی برای ارتباطات بین سهامداران و ذینفعان.
- ایجاد و بکارگیری شیوه های کاری.
- اطمینان حاصل کردن از این موضوع که عملکرد شرکت مطابق با چارچوب های قانونی است.

هیات مدیره نباید درگیر کارهای روزمره شرکت باشد. این وظیفه می بایست توسط مدیر اجرایی شرکت انجام گیرد. هیات مدیره بر شرکت نظارت خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند که شرکت بر اساس منافع سهامداران، ذینفعان و همچنین شیوه های حاکمیت شرکتی اداره میشود و در صورت نیاز دست به اقداماتی بزند. عواملی که در پی می آید برای یک هیات مدیره در زمانی که حاکمیت شرکتی را در دستور کار خود دارد و سعی دارد بر عملکرد شرکت تاثیر مثبتی بگذرد و کارش را در یک چارچوب حقوقی انجام دهد، حیاتی می باشد.

- معیارهای عضو هیات مدیره شدن .
- ساختار هیات مدیره (اعضای اجرایی و غیر اجرایی)
- نسبت اعضای مستقل به کل اعضا.
- انتخاب هیات مدیره و معرفی آنها .
- تفکیک وظایف هیات مدیره و مدیر عامل .
- نقش رئیس هیات مدیره.

- تعداد اعضای هیات مدیره و مکانیسم تصمیم گیری.
- موضوعات مربوط به عملکرد هیات مدیره و جلساتشان (دبیر هیات مدیره، صورتجلسات، بودجه، دستورالعمل جلسات، اسناد لازم، ارتباط بین هیات مدیره و مدیریت شرکت، و غیره)
- انتخاب دوباره هیات مدیره و بازنشستگی آنها.
- حقوق و مزایایی که به اعضای هیات مدیره پیشنهاد می شود .
- ارزیابی عملکرد مدیر عامل.
- تعداد، ساختار و وضعیت استقلال کمیته های هیات مدیران.

اعضای موظف و غیر موظف هیات مدیره

در شیوه های حاکمیت شرکتی خوب ، تفکیک اعضای موظف و غیر موظف هیات مدیره بسیار مهم است. اعضای اجرایی یا موظف هیات مدیره جدای از اینکه مسئول مدیریت شرکت است باید به مسئولیت تمام وقت خود نیز برسند. در حالیکه آنها باید به کارهای محوله خود در هیات مدیره برسند، باید کار نظارت و هدایت استراتژیک کل شرکت را نیز بر عهده بگیرند. ولی سوال اینجاست در حالیکه اعضای اجرایی هیات مدیره مسئول مستقیم رسیدگی به بعضی امور مشخص هستند تا چه زمان آنها می توانند مستقل و بی طرف باقی بمانند. برای جلوگیری از گسترش هرگونه جدال احتمالی در این رابطه، در شیوه های حاکمیت شرکتی، اعضای غیر اجرایی هیات مدیره بخدمت گرفته شدند. هدف از بخدمت گرفتن این افراد آن است که تصمیماتی که توسط هیات مدیره گرفته می شود از دیدگاه مستقل و بی طرف برخوردار باشد.

اعضای غیر اجرایی یا غیر موظف هیات مدیره به دو دسته تقسیم می شوند:

(۱) "اعضای وابسته/غیر مستقل" که بخشی از ساختار مدیریتی شرکت محسوب نمی شوند ولی با شرکت ارتباط دارند (افرادی همچون اعضای خانواده، تامین کننده گان مواد تولیدی و خدمات، اعضای حرفه ی صنعت مربوطه و افرادی که در گذشته در شرکت کار می کردند)

(۲) "اعضای مستقل" که جز تیم مدیریت شرکت نیستند و همچنین با شرکت نیز در ارتباط نمی باشند (به بحث عضویت مستقل هیات مدیره رجوع شود).

عضویت مستقل هیات مدیره

تشکیل هیات مدیره برای رسیدن به اهداف شیوه های حاکمیت شرکتی خوب و همچنین داشتن استقلال در انتخاب اعضا از عوامل مهم محسوب می شوند. در شیوه های حاکمیت شرکتی پیشنهاد شده است که حداقل

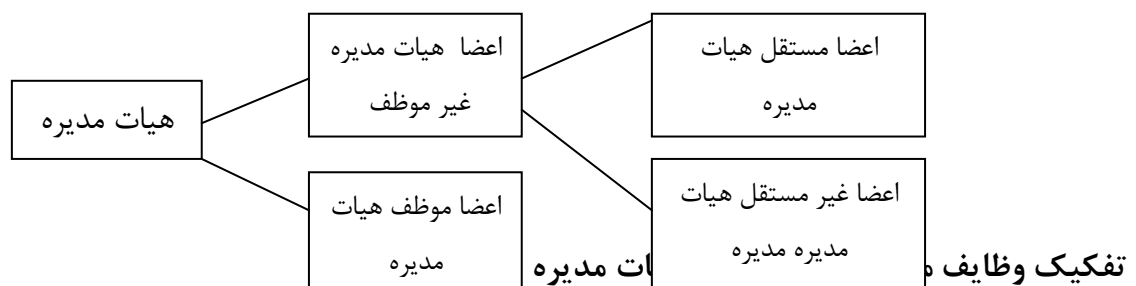
بخشی از اعضای هیات مدیره می بایست مستقل باشند به عبارت دیگر به نمایندگی از صاحبان سهام نباشند. در شیوه هایی که بطور عمومی پذیرفته شده اند، مقررات مربوط به اعضای مستقل هیات مدیره لحاظ شده است. بعضی از پیش نیازهای مهم در این رابطه از این جمله هستند:

- عضو مستقل هیئت مدیره نباید از سهامداران عمده باشند.
- عضو مستقل هیئت مدیره نباید در این شرکت و یا هر شرکت دیگری که از تامین کنندگان و یا مشتریان عمده شرکت است مشغول بکار باشند.
- عضو مستقل هیئت مدیره نباید دارای خویشاوندانی باشند که از سهامداران عمده و یا روسای شرکت محسوب میشوند.

اعضای مستقل افرادی هستند که نه دارای مقام اجرایی هستند نه با شرکت ارتباطی (از خارج از آن) دارند. با این وجود این اعضا دارای صلاحیت و استقلال کامل هستند. اعضا غیر موظف که در ارتباط با شرکت هستند نیز می توانند در مقایسه با اعضای موظف هیئت مدیره تا حدودی مستقل باشند. اگر نگاهی به شیوه ها بیاندازید متوجه می شوید که تنها از طریق برآورده سازی نیازمندی ها نمی توان به استقلال کامل رسید. بطور مستقل فکر و عمل کردن استقلال را به ارمغان می آورد.

اعضای مستقل هیات مدیره تاجایی می توانند به بالا رفتن کیفیت مدیریت کمک کنند که بتوانند استقلال فکری خود را حفظ کنند.

اعضای مستقل هیات مدیره با نظارت بی طرف و مستقل و همچنین تجربه و دانش گسترده خود می توانند به هدایت و نظارت بر عملکرد شرکت کمک کنند. تناقض در باره اعضای اجرایی که قبلا از آنها نام برده شد با ویژگی های اعضای مستقل متوازن می شود. همین توازن تضمین کننده روند سالم تصمیم گیری می باشد. ایجاد یک هیات مدیره با توجه به استقلال، و اینکه اعضای آن اجرایی و غیر اجرایی هستند را می توان آنچنان که در پی آمده بطور خلاصه نشان داد.



یکی از شیوه های خوب حاکمیت شرکتی، تفکیک مدیر عامل از رئیس هیات مدیره است. در عمل اینطور نتیجه گیری شده است که مدیر عامل نمی تواند دو شغل متفاوت را با یکدیگر انجام دهد و ریسکهایی بالقوه ای وجود

دارد در صورتی که این دو شغل از یکدیگر تفکیک داده نشود. مدیر عامل شرکت وظیفه نظارت و تمرکز بر اداره و عملکرد شرکت را دارد. از طرف دیگر، رئیس هیات مدیره تلاش می کند شرکت به اهداف بلند مدت خود برسد و بر عملکرد تیم مدیریت نیز نظارت داشته باشد. اگر مدیریت اجرایی شرکت و مدیریت حسابرسی بر عهده یک شخص باشد ممکن است رشد و سودهای بلند مدت شرکت با مشکلاتی روبرو شود.

کمیته های هیات مدیره

این کمیته ها بمنظور کمک به هیات مدیره جهت تمرکز بر موضوعات خاص تشکیل می شوند. کمیته های یاد شده نقش قابل توجهی در ایجاد یک سیستم کنترل کننده داخلی بعنوان یک مکانیسم موثر حاکمیت شرکتی بازی می کنند. برای مثال کمیته حسابرسی، کمیته حاکمیت شرکتی و کمیته پاداش مدیریت به هیات مدیره کمک می کنند تا ریسکها را مدیریت کند و بر سیستم کنترل داخلی شرکت و همچنین عوامل وابسته به آن نظارت داشته باشد. تجربه نشان داده است که انتخاب اعضای کمیته از اعضای غیر اجرایی یا غیر موظف هیات مدیره به عملکرد بی طرفانه این کمیته ها و همچنین بالا رفتن بهره وری اشان کمک می کند.

مدیریت ریسک

ریسک را می توان بعنوان موارد غیر قطعی که یک سازمان در مسیر نیل به اهدافش با آنها روبرو است تعریف کرد. این موارد می تواند تاثیر منفی بر کار و نظم سازمان داشته باشد و یا بالعکس می تواند با خود فرصت به همراه داشته باشد. کارکرد مدیریت ریسک، این است که سازمان را از وجود فرصت ها آگاه می کند و مدیران و سهامداران را بر آن می دارد تا در رابطه با ریسک ها و همچنین فرصت هایی که ممکن است بر روند کار و نظم سازمان تاثیر گذارد دست به اقدام موثر بزنند. بنابراین می توان گفت که مدیریت ریسک به مدیران و سهامداران کمک می کند تا با اقدامات خود صدمات احتمالی به وجه سازمان که در اثر این عوامل بوجود می آید را به حداقل برسانند.

یک سازمان می تواند با ارزیابی موثر ریسک ها و بکار گیری مدیریت موثر، تحمل خود در برابر چالش هایی که در اثر فرآیند های پیچیده و مشکلات مالی و رقابتی پیش می آید را افزایش دهد. سازمان هایی هستند که عملکرد خود را بر این اصل گذشته اند که توسعه سالم و پایدار اتفاق نمی افتاد مگر اینکه ما از بحران ها درس بگیریم و در برابر آنها دست به اقدامات مقتضی بزنیم. همین شرکت ها می توانند به منابعی جهت ایجاد استراتژی مدیریت ریسک دست پیدا کنند.

در جهت شکل دادن به وظائف در سازمان بدون وابستگی به فرد خاصی، ارائه بهترین مدل انجام کسب و کار از طریق بهترین مثال های موجود، بحث درباره چگونگی بدست آوردن بیشترین منفعت از فعالیت ها، مستند سازی، و همچنین تقویت ساختار شرکت از جمله اولویت های مدیریت ریسک می باشد. در نتیجه سیستم

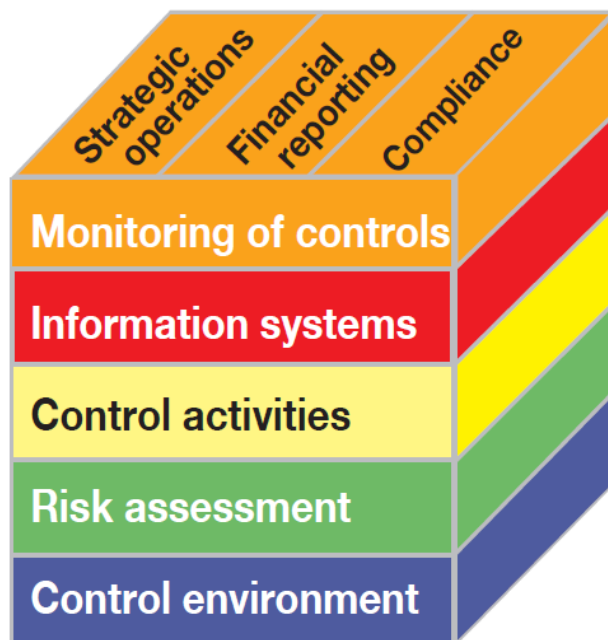
مدیریت ریسک فراهم کننده آگاهی و شفافیت در درون سازمان است. این سیستم همچنین مفهوم سازمان را در نظر سرمایه گذاران و سهامداران آینده تقویت می کند. این مکانیسم نه تنها به هیات مدیره برای انجام امور نظارتی اشان کمک می کند، بلکه به سهامداران و دیگر ذینفعان نیز اطمینان می دهد که سازمان براساس قانون و شیوه های حاکمیت شرکتی عمل می کند.

"مدیریت ریسک شرکتی" به صورت زیر عمل می کند:

- تعیین ریسک های مالی، عملیاتی، استراتژیکی، قانونی، خارجی و ریسک های اعتبار و شهرت در تطابق با اهداف سازمان.
- تعیین شاخص های ریسک های کلیدی⁶ و نظارت بر ریسک ها با استفاده از ابزارهای ردیابی همچون "Dashborad" و کارت امتیازی متوازن "Scorecard" (نرم افزاری که نشان دهنده عملکرد می باشد)
- تعیین حدود برای ریسک های بالقوه با در نظر گرفتن اهداف سازمان.
- آماده کردن طرح های عملی، توزیع مسئولیت ها، ایجاد ارتباط مستمر بین افراد مسئول برای اقدامات سریع، زمانی که ریسک ها از حدود مشخص شده فراتر رفته باشند.
- اطلاع رسانی به هیات مدیره از طریق گزارش های منظم درباره ریسک ها و همچنین از طریق کمیته های ریسک.

علاوه بر ایجاد یک فرآیند مدیریت ریسک خوب، این سیستم می بایست دارای ساختاری ساده و انعطاف پذیر باشد تا به یک ابزار موثر مدیریتی تبدیل گردد. واحد مدیریت ریسک می بایست بر اساس احتیاج و اندازه یک شرکت ایجاد شود. هدف این واحد که تحت نظارت هیات مدیره کار می کند نظارت بر ریسک های بالقوه و همچنین ایجاد سیاست های لازم برای انجام فرایند مدیریت ریسک است. افرادی که در این واحد کار می کنند می بایست در زمینه های مختلف همچون حسابداری، حسابرسی، قانون و مدیریت دارای صلاحیت باشند. یک مدیریت ریسک موثر از توسعه مکانیسم کنترل داخلی شرکت حمایت می کند و برای فعالیت های خود بستر مناسب ایجاد می کند. واحد کنترل درون سازمانی در حالیکه برای فعالیت های خود برنامه ریزی می کند، می بایست کارآمدی سیستم مدیریت ریسک را نیز ارزیابی کند.

⁶ Key Risk Indicators(KRI)



سیستم کنترل داخلی

سیستم کنترل داخلی از اینرو یک سیستم است که هدفش ایجاد کارآیی و اثربخشی در عملیات، موثق بودن سیستم گزارش دهی مالی و همچنین مطابق بودن با قوانین و مقررات می باشد. همه عوامل بالا که توسط هیات مدیره، مدیران و کارمندان شرکت هدایت می شوند به منظور یک ضمانت معقول طراحی شده اند و در تمامی فرآیندهای مختلف کسب و کار وجود دارند.

سیستم کنترل داخلی دارای سه هدف اصلی و پنج جز است:

اهداف:

- افزایش کارآیی و اثربخشی عملیات از طریق فرآیندهای استاندارد و با استفاده از سطح مطلوبی از منابع شرکت.
- ایجاد یک فرایند گزارش دهی مالی موثق.
- اطمینان از مطابق بودن با قوانین و مقررات .

اجزا:

- محیط/حوزه کنترل: شامل کارکرد مدیریت شرکت، سیستم کنترل داخلی و بخش های مربوطه، گرایش، رفتار، و ذهنیت هیات مدیره و مدیران.
- ارزیابی ریسک: شامل فرآیند تعریف ریسک و مدیریت آن بر اساس اهداف تعیین شده شرکت می شود.
- کارکردهای کنترل: شامل مشخص کردن ریسک هایی که شرکت را از رسیدن به اهدافش باز می دارد، انجام اقدامات لازم و ایجاد بستری برای اجرا جهتگیری ها می شود.
- سیستم های اطلاعاتی که شامل فرآیندهای فعالیت در رابطه با گزارش دهی و ارتباطات می شود: شامل عناصر سیستم حسابداری که مربوط به نظارت، ثبت، طبقه بندی و گزارش فعالیت ها و عملیات می شود تا صحت دارایی ها، بدهی ها و حقوق صاحبان سهام بدست آید.
- نظارت برکنترل ها: فرآیند ارزیابی طراحی و کارکردهای کنترلی و در زمانی که احتیاج باشد اقدامات لازم انجام می گیرد.

امروزه، اگر یک سیستم کنترل داخلی برای استراتژی توسعه پایدار طراحی شده باشد، می تواند بعنوان مهمترین عامل در افزایش ارزش آن شرکت به حساب آید.

مزایای کنترل موثر داخلی برای شرکت ها

طراحی و اجرا سیستم کنترل موثر داخلی نه تنها برای حداقل ساختن خطاهای عملی در شرکت مهم است بلکه برای توسعه پایدار و رشد شرکت نیز ضروری است. آنچنان که در پی آمده است مزایای سیستم کنترل موثر داخلی که امتحان خود را پس داده باشد میتواند تحت عناوین قابل اعتماد بودن، مطابق با قانون بودن، گزارش دهی مالی، و بهره وری عملیاتی بطور خلاصه ارائه شود:

این کنترلها چه کسانی را تحت تاثیر قرار می دهند و به منظور دستیابی به چه اهدافی طراحی شده اند؟	کنترل های موثر چه چیزی را میسر می کنند؟
۱- افزایش اعتبار شرکت	
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد ساختاری بر اساس ریسک و کنترل. • اطمینان از کاهش اشتباهات و سوء استفاده. • تغییرجهت به سمت سرمایه گذاری. 	افزایش اعتماد شرکای شرکت به سیستم.

<ul style="list-style-type: none"> • اطمینانی که با شفافیت همراه است . • افزایش وفاداری سهامداران. • کسب اعتماد بالا از طرف حسابرسان شرکت. 	<p>افزایش اعتماد سهامداران نسبت به شرکت (نمایندگی مجاز و فروش، مشتریان، بانک ها و غیره)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • حق توزیع بالاتر برای سهام شرکت • ترویج تصمیم گیری برای سرمایه گذاری شرکای خارجی. 	<p>سرمایه گذاران بالقوه.</p>
<p>۲- انطباق با مقررات</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • میسر ساختن رشد مستمر. • جلوگیری از زیان های ناشی از خرابی و یا توقف عملیات. • کاهش هزینه های دعوی قضایی. 	<p>کاهش وقفه / ریسک توقف کامل فعالیت های کسب و کار و ریسک امکان مواجه با دعوی قضایی (مشتری، فروشنده و موارد کارگرو غیره)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • مهم ترین ابزار برای هیئت مدیره برای انجام مسئولیت های خود. • انطباق با مقررات. • کاهش ریسک روبرو شدن با دعوای قضایی و حفظ اعتبار و شهرت. • بدست آوردن رتبه بالا در نتیجه افزایش اعتبار و دسترسی به وام با بهره کم. 	<p>انطباق با قانون جدید تجاری ترکیه و Basel II</p> <ul style="list-style-type: none"> - مسئولیت های هیئت مدیره. - شناسایی و مدیریت ریسک . - حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل. - برنامه ریزی مالی.
<ul style="list-style-type: none"> • تسریع در فرآیند عرضه عمومی که در نتیجه برنامه ریزی موثر و سریع جریان اطلاعات حاصل می شود. • انجام و تکمیل حسابرسی مستقل به طور موثر. • بدست آوردن بالاترین رتبه برای انطباق با شیوه های حاکمیت شرکتی و در نتیجه ارزش سهام بالا 	<p>تسریع کننده برای فرصت ها در عرضه عمومی / اوراق قرضه در بازارهای سرمایه داخلی و خارجی.</p>

۳- گزارشگری مالی دقیق و به موقع	
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد گزارش دهی مدیریت موثر. (تجزیه و تحلیل مالی، برنامه ریزی مالی و بودجه بندی) • توانایی تصمیم گیری سریع و موثر. • سودآوری در نتیجه افزایش قدرت رقابت. 	<p>اطلاعات با کیفیت عالی به منظور مدیریت موثر و کارآمد کسب و کار:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کنترل دقیق هزینه ها به عنوان یک اقدام احتیاطی در زمان کاهش سود که در نتیجه پایان تورم بوجود می آید - جهانی شدن / رقابت افزایش یافت.
<ul style="list-style-type: none"> • انطباق با قوانین • حفاظت از اعتبار و شهرت • پیشگیری از زیان های مالی 	<p>جداول مالی " درست و واقعی " که در آن اشتباهات ناشی از شکست ها و سوء استفاده ها به حداقل برسد.</p>
<ul style="list-style-type: none"> • بدست آوردن دوباره ارزش پول شرکت از طریق "حسابرسی مستقلی" که بر اساس کنترل و ریسک می باشد و ارزش افزوده را میسر می سازد. • توانایی تهیه جداول مالی توسط سازمان. 	<p>روابط حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل - تغییرات در حسابداری و استانداردهای حسابرسی</p>
۴- بهره وری عملیاتی	
<ul style="list-style-type: none"> • افزایش کارایی و انگیزه به عنوان یک نتیجه از توزیع کار موثر • کاهش وابستگی به کارکنان حیاتی در شرکت. 	<p>ایجاد شفافیت در وظایف و مسئولیت های هیات مدیره و کارمندان</p>

<ul style="list-style-type: none"> • کنترل موثر هزینه ها در نتیجه فرآیندهای موثر و کارآمد کسب و کار. • استفاده مطلوب از منابع (منابع انسانی، سیستم ها و غیره) • به حداقل رساندن شکست عملیاتی. • ارزیابی مستمر و موثر ریسک عملیاتی . 	<p>عملیات</p>
---	---------------

نکته اصلی این است که سیستم کنترل داخلی موثر به روش های زیادی به شرکت کمک می کند و از استراتژی توسعه پایدار شرکت حمایت می کند .

حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی یک فعالیت مستقل ، بی طرفانه و مشاوره ای است که به منظور بهبود سیستم و فرآیندهای شرکت و افزایش ارزش آن ایجاد شد. حسابرسی داخلی یک رویکرد سیستماتیک و منظم به منظور ارزیابی و بهبود اثر بخشی کنترل داخلی و فرآیندهای اداره امور شرکت را به ارمغان می آورد. این سیستم به شرکت در رسیدن به اهداف خود کمک می کند. برای بهبود شفافیت و پاسخگویی در شرکت، این یک مکانیسم بسیار با اهمیت است.

از نقطه نظر مدیریت و مکانیسم های تصمیم گیری مدیریت، دادن اطلاعات مالی و غیر مالی به بخش تصمیم گیرنده شرکت بمنظور بررسی و ارزیابی کیفیت اطلاعات (صحت و یکپارچگی) و همچنین برای تصمیم گیری در مورد حاکمیت شرکتی که مطابق با نتایج حاصل از این ارزیابی است، بطور کلی روشی پذیرفته شده است. اصل شفافیت در روند تصمیم گیری ها نقش برجسته ای دارد. بنابراین، در این برهه، مکانیسم حسابرسی داخلی به عنوان یک ابزار اصلی برای حاکمیت شرکتی، برای شرکت و نیز برای هیات مدیره حائز اهمیت است.

با توجه به نیاز و درخواست شرکای شرکت، حسابرسی های داخلی ممکن است بخش های بسیاری از شرکت را پوشش دهد. موضوعاتی مانند اثربخشی عملیاتی، موثق بودن گزارشگری مالی، تحقیق و جلوگیری از سوء استفاده، حفاظت از دارایی ها و انطباق با مقررات از موضوعات اصلی محدوده حسابرسی داخلی هستند.

گزارش دهی مالی و حسابرسی مستقل

گزارش فعالیت ها

گزارش فعالیت های یک شرکت ممکن است شامل بسیاری از فاکتورها باشد که یک روزنامه نگار کسب و کار ممکن است برای گزارش دهی درباره شیوه های حاکمیت شرکتی از آن ها بهره برد. عواملی که ممکن است از منظر حاکمیت شرکتی از لحاظ خبری حائز اهمیت باشد به شرح زیر است:

- پیام هیات مدیره و مدیر عامل / مدیر کل.
- مروری کلی بر شرکت و عملکرد سهام آن.
- مدیریت ریسک.
- جداول مالی و تبصره ها.
- گزارش های حسابرسی مستقل.
- گزارش در خصوص انطباق با شیوه های حاکمیت شرکتی.
- مسئولیت اجتماعی شرکت ها.

جداول مالی

اگر در گوگل کلمه IFRS (استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی) را جستجو کنید یک لیست با حدود ۲۰ میلیون یافته پیش روی شما نشان می دهد که نتیجه کار نهادهای شرکت های حسابداری، حسابرسی، شرکت های مشاوره ای و سازمان های دولتی می باشد.

برای اولین بار در ۱ ژانویه سال ۲۰۰۵، نقشه راهی که شرکت های دولتی انجمن اروپا را ملزم می کرد جداول مالی خود را بر طبق UFRS تهیه کنند، و همچنین اجازه مقام ناظر بازار سرمایه آمریکا به شرکت های آمریکایی برای استفاده از UFRS در سال ۲۰۰۹ و بالاخره، با در نظر گرفتن بزرگی شرکتها، ملزم کردن آنها به انتقال کامل به UFRS تا سال ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و یا ۲۰۱۶، مطالعه و بحث در باره UFRS بطور چشمگیری افزایش پیدا کرد.

این واقعیت که بیش از ۱۰۰ کشور جهان از استانداردهای بین المللی گزارشدهی مالی استفاده کرده اند و با احتمال زیاد این تعداد افزایش پیدا خواهد کرد، UFRS را به تنها زبان حسابداری جهانی بدل کرده است.

جایی که گزارش فعالیت ها بیشترین اطلاعات را درباره شرکت می دهد جداول مالی و بخش های ضروری آن ها مانند پا نوشته ها است. بنابراین، این بخش برای روزنامه نگاران اقتصادی از جنبه خبری، از اهمیت زیادی برخوردار است.

عناصری که یک روزنامه نگار اقتصادی و کار باید به هنگام بررسی جداول مالی و تبصره مد نظر داشته باشد به شرح زیر است:

- **ترازنامه:** شرکت وضعیت مالی خود را در یک تاریخ خاص نشان می دهد. این ترازنامه ها اطلاعاتی در مورد سرمایه خالص فعلی شرکت، وضعیت نقدینگی، منابع تامین مالی و اینکه بودجه در کجاها استفاده شده است را نشان می دهد. این اطلاعات در واقع تداوم کار شرکت را پیش بینی می کند.
- **صورت وضعیت سود/زیان:** این صورت وضعیت، درآمد خالص شرکت، هزینه ها و عملکرد کلی مالی شرکت را طی یک دوره خاص نشان می دهد. همچنین این اظهار نامه اطلاعات حیاتی در مورد رشد، حاشیه سود، و تغییرات در هزینه و درآمد را نشان می دهد. یک جدول مالی، فرصت برای ارزیابی بهره وری شرکت و اینکه چه بخشی از سود از عناصر عملیاتی و چه بخشی از عناصر غیر عملیاتی است را در اختیار خوانندگان خود قرار می دهد.
- **جدول جریان نقدینگی:** این جدول مهم ترین جدول مالی می باشد. این جدول سود خالص را با نقدینگی در یک دوره خاص مقایسه می کند و نشان می دهد که چه بخشی از سود خالص به پول نقد تبدیل شده است.
- **جدول تغییرات حقوق صاحبان سهام:** این جدول حقوق صاحبان سهام را در آغاز و پایان یک دوره معین نشان می دهد. برای دیدن افزایش سرمایه، توزیع سود و سود انباشته، این جدول اهمیت زیادی دارد.
- **تبصره ها:** تبصره ها از بخش های ضروری جداول مالی هستند که جزییات و تجزیه و تحلیل مطالب حسابداری را ارائه می دهد. عوامل زیر در تبصره ها ممکن است برای روزنامه نگاران اقتصادی در جهت خلق تحلیلی از شیوه های حاکمیت شرکتی مفید باشد.
 - خط مشی های کنونی حسابداری (تشخیص درآمد، استهلاک، و غیره)
 - خط مشی های حسابداری که انتخاب شده اند ولی به آنها عمل نشده است، توجیهات و تاثیر آنها بر جداول مالی.
 - تغییرات در خط مشی های حسابداری در مقایسه با سال گذشته، توجیه چنین تغییراتی و تاثیر آنها بر جداول مالی.
 - جزئیاتی در مورد اشتباهات حسابداری که طی سال گذشته پیش آمده است .

- معاملات و ترازنامه های مربوط به شرکت های مربوطه: این بخش به منظور نشان دادن فعالیت های شرکت با شرکت های مرتبط دیگر بسیار مهم است. درک این فعالیت ها، دلایل آنها و اینکه آیا آنها منصفانه انجام شده باشند به یک روزنامه نگار حوزه کسب و کار اطلاعات جالب توجه ای می دهد. این واقعیت که دستکاری در جداول مالی عمدتاً از چنین فعالیت هایی با شرکت های مربوطه بوجود می آیند، نشان دهنده اهمیت این بخش از تبصره ها است.
- ارائه گزارشها توسط دپارتمان ها (این بخش اطلاعاتی مربوط به طیف محصولات اصلی شرکت و گردش مالی جغرافیایی، سرمایه گذاری کلان و استهلاک را نشان می دهد)
- دارایی های ثابت، سرمایه گذاری ها، دارایی ها/ سرمایه ها، سود انباشته شده و ذخایر دیگر.
- مزایای اعطا شده به مدیریت ارشد.
- سود هر سهم (به خصوص برای شرکت های بورس اوراق بهادار)

حسابرسی مستقل

توسعه اقتصاد و حضور بازیگران زیادی در صحنه کسب و کار، نیاز برای به دست آوردن اطلاعات قابل اعتماد را افزایش می دهد. همانطور که قبلاً در تعریف حاکمیت شرکتی ذکر شد، شرکت ها دارای شرکای زیادی هستند (سهامداران، هیئت مدیره، و غیره) و ذینفعان داخلی و خارجی (تامین کنندگان، مقامات مالیاتی، موسسات اعتبار دهنده مالی) حسابرسی مستقل به ابزاری برای ایجاد اطلاعات قابل اعتماد که توسط بازیگران صحنه کسب و کار استفاده می شود مبدل گردیده است.

یکی از کارکردهای مهم حسابرسی مستقل، اطمینان از انجام کارها بر اساس شفافیت و پاسخگویی و بالاتر از همه قابلیت اعتماد است. بنابراین، انجام حسابرسی با کیفیت بر اساس استانداردهای عموماً پذیرفته شده حسابرسی (که به عنوان استاندارد بین المللی حسابرسی " به رسمیت شناخته شده اند) به امری ضروری تبدیل شده است. حسابرسی، ضمانتی برای شیوه های حاکمیت شرکتی است و اگر انجام حسابرسی ضعیف باشد تا حد زیادی ریسک حفظ اعتماد در بازار افزایش پیدا خواهد کرد. از این رو، حسابرسان ممکن است تبدیل به کانون توجه بسیاری در رسوایی شرکت ها شوند. بنابر این در تلاش برای به حداقل رساندن ریسک، هدف مشترک باید این باشد که اطمینان حاصل شود که همه بازیگران صحنه بازار مطمئن باشند که این کارکرد حیاتی به طور موثر انجام می شود.

با توجه به گزارش های سالانه و جداول مالی توسط هیات مدیره و مدیریت تهیه می شود، گزارش حسابرسی که پس از بررسی جداول مالی آماده می شود بخشی است که یک روزنامه نگار کسب و کار باید برای تفکر مستقل و

بی طرفی آنرا به دقت بخواند.

"عاملی که حسابرسی و حسابرس را تعریف می کند، استقلال است. استقلال در وهله اول به معنی استقلال حسابرس از شرکت حسابرسی، بی طرفی او و دیدگاهش می باشد"

قانون جدید بازرگانی ترکیه شماره ۶۱۰۲، مقدمه عمومی

نظر حسابرس

حسابرس کار خود را مطابق با استانداردهای حسابداری و مقررات انجام می دهد، که پایه ای برای تهیه جداول مالی مطابق با استانداردهای حسابرسی می باشد. تهیه جداول مالی مسئولیت مدیریت شرکت است. حسابرس شرکت در مراحل آماده سازی شرکت نمی کند چرا که انجام اینکار ممکن است به استقلال او صدمه بزند. اگر حسابرس مستقل در نتیجه حسابرسی با مشکلی مواجه نشود، او در گزارش خود نظر مثبتی ارائه خواهد داد. اگر حسابرس با موضوعات زیر مواجه شود در اینصورت تغییرات مناسبی می بایست در گزارش حسابرس مستقل ایجاد شود:

(آ) برجسته کردن مسائل، اگر موضوعی وجود داشته باشد که بر نظر حسابرس تاثیر نمی گذارد اما برای به اشتراک گذاشتن با مشتریان جدول مالی لازم است.

(ب) در صورتیکه مسئله ای که بر نظر حسابرس مستقل تاثیر دارد وجود داشته باشد، او یا یک نظر معتبر ارائه می دهد، از اظهار نظر اجتناب می کند، و یا یک نظر منفی می دهد.

مشکلاتی که بر دیدگاه حسابرس مستقل تاثیر می گذارد ممکن است برای روزنامه نگار کسب و کار نشان دهنده مسائل بسیار مهم در رابطه با حاکمیت شرکتی باشد. اگر اثرات این مشکلات جداول مالی را تحت تاثیر قرار دهد، حسابرس مستقل ممکن است به سادگی قادر به ارائه نظر مثبت نباشد.

اگر حسابرس مستقل قادر به انجام وظایف خود نباشد (اگر در فضای کار، برای او محدودیتی باشد)، نتایج زیر ممکن است حاصل شود:

- در صورتی که حسابرس مستقل قادر به ارائه نظر مثبت نباشد، اما اثرات محدودیت در فضای کار آنقدر مهم باشد که حسابرس نتواند ایده منفی و یا هر گونه ایده ای ارائه دهد، هر چند که چنین شرایطی بسیار نادر است، در آنصورت حسابرس می تواند نظر مشروطی ارائه دهد. او با بیان جمله "به جز مسائلی مانند ... ایده مشروط خود را ارائه می دهد تا در واقع به آن موضوعات اشاره کرده باشد.
- در صورتی که اثرات احتمالی محدودیت در فضای کار آنقدر مهم است که حسابرس قادر نباشد شواهد حسابرسی کافی و مستقل بدست آورد و در نتیجه نتواند ایده ای ارائه دهد، در آنصورت او از دادن هرگونه نظری اجتناب خواهد کرد.

در صورتی که بین مدیریت و حسابرس در مورد انطباق با برخی از خط مشی های حسابداری، روش اجرا آنها و یا توضیح کافی برای جداول مالی اختلاف نظر وجود داشته باشد، شرایط زیر ممکن است بوجود آیند:

- در صورتی که حسابرس مستقل به این نتیجه برسد که او قادر به ارائه نظر مثبت نیست، اما فکر می کند مخالفت با مدیریت چنان اهمیتی دارد که او نمی تواند نظر منفی و یا هر نظری دهد، هر چند این شرایط ممکن است به ندرت اتفاق بیفتد، در آنصورت حسابرس می تواند نظر مشروط ارائه دهد. او با بیان جمله "به جز مسائلی مانند ... " ایده مشروط خود را ارائه می دهد تا در واقع به آن موضوعات اشاره کرده باشد.
- در صورتی که حسابرس به این نتیجه برسد که تاثیر اختلاف او با مدیریت برای جداول مالی حائز اهمیت است، اگر چنین مسائلی عموماً اتفاق می افتاد و اگر حسابرس متوجه شود که ارائه نظر مشروط برای تشریح آنچه در ساختار جداول مالی ارائه نشده و یا همراه کننده است کافی نمی باشد، در آنصورت او می تواند نظر منفی بدهد.

در تمام موارد دیگر که در آن حسابرس مستقل نظری به غیر از یک نظر مثبت ارائه می دهد، او در گزارش خود توجیهات واضح و قابل فهم برای چنین نتیجه گیری فراهم می آورد. در صورتی که تاثیر چنین نظری بر جداول مالی را بتوان محاسبه کرد، حسابرس آنها را نیز ارائه می دهد. بطور کلی این نوع اطلاعات را می توان در یک پاراگراف جداگانه قبل از پاراگراف هایی که در آنها نظری داده نشده است آورد. همچنین، در تبصره مربوط به جداول مالی باید نوشت که این اطلاعات، اگر وجود دارد، به طور کامل مورد بحث قرار گرفته است. درک یک روزنامه نگار از دلیل این نظر میتواند موضوعات مهمی را در دستور کار قرار دهد، موضوعاتی که نیاز به بررسی منابع شرکت و سایر ذینفعان دارد.

استانداردهای حسابداری در قوانین تجاری جدید ترکیه و اصلاحات در حسابرسی مستقل

یک شرکت ملزم به تهیه جداول مالی مطابق با UFRS و با شفافیت کامل است. شرکت همچنین می بایست حسابرسی مستقل مطابق با استانداردهای حسابرسی بین المللی انجام دهد تا سهام آن بتواند در بورس اوراق بهادار ترکیه و یا در دیگر بازارهای توسعه یافته ارائه شود، و بتواند سرمایه شرکتهای سرمایه گذاری خصوصی را به خود جلب کند و در آخر جایگاه خود در بازارهای به شدت رقابتی، بدست آورد.

قانون تجاری جدید ترکیه بطور اساسی این تغییر جهانی را در خود لحاظ کرده و آنرا وارد نظام حقوقی خود کرده است. این قانون کلیه شرکت ها را اعم از دولتی یا خصوصی ملزم می کند تا گزارش های مالی و سیستم های حسابداری خود را مطابق با استانداردهای حسابداری کشور ترکیه تنظیم کنند که این استانداردها ترجمه IFRS می باشد. گزارش های مالی باید به طور مستقل و مطابق با استانداردهای حسابرسی ترکیه که ترجمه

استاندارد های حسابرسی بین المللی می باشد تهیه گردد.
از آغاز ۱ ژانویه سال ۲۰۱۳ زمانی که مقالات با محوریت گزارش مورد استفاده قرار خواهد گرفت، سیستم
حسابداری ترکیه بطور کامل مطابق با IFRS خواهد شد و کلیه گزارشات مالی باید مورد حسابرسی مستقل
قرار بگیرند.

اهمیت حاکمیت شرکتی برای شرکت های خانوادگی

همانطور که در بسیاری از کشور ها مشاهده می شود، در ترکیه نیز شرکت های خانوادگی بخش اعظمی از اقتصاد کشور را تشکیل می دهند. هرچند گفته می شود این شرکت ها بطور گروهی کار می کنند و بیش از یک شرکت را در پورتفولیو خود دارند و از بحران های اقتصادی در کشور کمتر صدمه می بینند، با این وجود این شرکت ها به دلیل مشکلاتی که آنها طی انتقال شرکت از یک نسل به نسل بعد تجربه می کنند عمر کوتاهی دارند.



بیشتر شرکت های خانوادگی پس از نسل اول ناپدید می شوند و تعداد شرکت هایی که پس از نسل سوم هنوز به کار خود ادامه می دهند کم است. بر اساس یک نظرسنجی انجام شده در آمریکا، درصد شرکت های خانوادگی که در طول نسل اول ناپدید می شوند ۸۰ درصد، پس از نسل دوم ۱۶ درصد و پس از نسل سوم ۴ درصد است.

با توجه به سهم زیاد شرکت های خانوادگی در اقتصاد کشور، بدیهی است که اجرای حاکمیت شرکتی در شرکت های خانوادگی فرآیندی بسیار حیاتی برای کل اقتصاد است. حاکمیت شرکتی در شرکت های خانوادگی فرآیندی نیست که تنها توسط عضو موسس و یا افراد خانواده اجرا شود، بلکه می بایست توسط مجموعه ای از افراد به انجام برسد. بنابراین، فرآیندی شامل فرآیند یادگیری و تغییر و در نتیجه آن هزینه انتقال و تطابق بوجود خواهد آمد.

آندسته از شرکت های خانوادگی که سهام آنها به عموم ارائه و یا در بورس اوراق بهادار داد و ستد می شود، شیوه های حاکمیت شرکتی را به سرعت و بطور کارآمدی انجام می دهند. اینطور به نظر می رسد که بسیاری از شیوه ها جهت تطابق با مقررات موسسات نظارتی و حسابرسی به اجرا در می آیند. در غیر این صورت، تنها ممکن است برخی از شرکت های بلند پرواز، مایل به انجام تمام الزامات حاکمیت شرکتی باشند و پیشرفت خوبی نیز در این زمینه داشته باشند.

این امکان وجود دارد که شرکت های خانوادگی به ارائه سهام خود به عموم به دید یک مرحله از انتقال به حاکمیت شرکتی و یا در همان حال به این فرآیند بعنوان راه چاره ای با هزینه کم، برای تامین بودجه خود بنگرند. با این حال تصمیم به ارائه سهام، این شرکت ها را بطور همزمان برای رسیدن به هر دو هدف کمک می کند. با آغاز معاملات سهام شرکت های خانوادگی در بورس اوراق بهادار استانبول (IMKB) میزان تبدیل به یک بنگاه اقتصادی حرفه ای شدن و شیوه های خوب حاکمیت شرکتی در این شرکت ها در حالی که بقای خود را افزایش می دهند یک منبع مالی کم هزینه نیز در اختیار آنها قرار می دهد. با نگاهی به شاخص

-IMKB ۳۰ که در آن سهام ۱۵ شرکت بزرگ خانوادگی خرید و فروش می شود، می شود نتیجه گرفت که داشتن یک شرکت خانوادگی برای انجام معاملات در IKMB مشکلی ایجاد نمی کند و بالعکس بسیاری از شرکت های خانوادگی بزرگ این شیوه را ترجیح می دهند.

شرکت های خانوادگی و حاکمیت شرکتی

با توجه به تاثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر توسعه پایدار شرکت ها، شیوه های حاکمیت شرکتی نیز برای شرکت هایی که سهام آنها در بورس اوراق بهادار معامله نمی شود از اهمیت برخوردار شده است. با وجود اینکه شرکت های خانوادگی با توجه به مزایای منحصر بفرد آنها در سال های اول عملکرد خود شاهد رشد سریعی هستند، همانطور که شرکت رشد می کند نیاز به مقررات معین تر در جهت حفظ عملکرد و پیش بردن شرکت در روابط پیچیده بیشتر احساس می شود. به عبارت دیگر، نیاز به مدیریت رشد، به منظور تداوم موفقیت کارآفرینی، بیشتر احساس می شود.

به عنوان مثال، همانطور که کسب و کار شرکت رشد می کند، سرمایه گذاری های بیشتری در بخش های مختلف شرکت انجام می گیرد و سرمایه گذار نیاز به کار با مدیران حرفه ای را احساس می کند. به این ترتیب، تعداد سرمایه گذارانی که پذیرای ریسک هستند و همچنین مدیران حرفه ای که در ازای اخذ تصمیماتی حقوق و دستمزد دریافت می کنند بیشتر شده است. به طور خلاصه، مالکیت و مدیریت از یکدیگر جدا می شوند. بنابراین نیاز به شیوه های حاکمیت شرکتی بوجود می آید تا سیستم های عملیاتی کارآمد ایجاد شوند. باید در نظر داشت که یک کارآفرین موفق نمی تواند تمام منابع حیاتی و ویژگی های شخصیتی



که برای مدیریت رشد مورد نیاز است را داشته باشد .

مساله مهم دیگر در شرکت های خانوادگی، مستقل شدن خانواده از شرکت است. هرچند که یک شرکت خانوادگی می تواند رشد رضایت بخش با توجه به انتظارات مالی کارآفرین داشته باشد، ممکن است نتواند انتظارات مالی خانواده را در نسل های بعدی برآورده کند. به همین دلیل، انتظارات مالی اعضای خانواده در شرکت می بایست روشن و سطح عملکرد مناسب باید تعریف شود.

علاوه بر وضعیت سهامداران خانواده به تنهایی، گروه های دیگری که سود به آنها تعلق می گیرد پا به عرصه ظهور می گذارند. این گروه ها که در نتیجه گسترش خانواده ایجاد می شوند عبارتند از: "اعضای خانواده به عنوان سهامدار و کارمند، تنها کارمند و نه سهامدار و نه کارمند" که منافع آنها متفاوت از یکدیگر است. هنگامی که منافع این گروه ها بخوبی معین نشود، تفاوت در نظرات اعضای خانواده در مورد عملکرد شرکت و آینده آن ممکن است در معرض ریسک قرار بگیرد. حاکمیت شرکتی در شرکت های



خانوادگی تلاش می کند مکانیزمی ایجاد کند که اعضای خانواده را قادر می سازد درباره انتظاراتشان بحث و ایجاد توازن کنند. همین موضوع اجازه نخواهد داد به دلیل مسائل داخلی، آینده شرکت به بن بست برسد .

یکی دیگر از عناصری که به شیوه های حاکمیت شرکتی در شرکت های خانوادگی اهمیت می دهد، سرمایه می باشد . در زمانی که سرمایه کافی در اختیار شرکت نباشد، خانواده می بایست در نقش های متفاوتی با دیگران ارتباط برقرار کند، مثل مشارکت، سرمایه گذار شرکت، نهادهای مالی و سرمایه گذاران فردی. ایجاد چنین مشارکت هایی حاکمیت شرکتی را به یک نیاز تبدیل می کند زیرا یکی از اهداف اصلی حاکمیت شرکتی حفظ و بهبود حقوق مالک است که از سهامدار بودن نشأت می گیرد.

روابط شرکت - خانواده

مهم ترین دلایلی که شرکت های خانوادگی پس از انتقال ناموفق به نسل های بعدی و / یا مرگ یا عدم توانایی موسس آن (ها) با شکست مواجه می شوند فقدان یک طرح محکم و ناتوانی در تفکر بلند مدت است. به عبارت دیگر، اهمیت ندادن لازم به حاکمیت شرکتی. هنگامی که شرکت های خانوادگی " سالم " را در آن زمینه مورد بررسی قرار می دهیم، ویژگی های مشترک که شاهد آن هستیم تعهد و اعتماد به یکدیگر، درک متقابل، ارتباطات باز، تخصیص زمان برای یکدیگر، ثبات روانی و توانایی برای به چالش کشیدن مسائل حیاتی است. شرکت هایی که این ویژگی ها را ندارند و یا قادر با انجام آنها نیستند می توانند به عنوان نمونه هایی از شرکت های خانوادگی باشند که قادر به ادامه فعالیت های خود نیستند. بنابراین، ویژگی های خانواده موفق باید به عنوان بهترین شیوه مورد بررسی قرار گیرد و آنها باید در هر شرکت خانوادگی گنجانیده شوند.

قانون/نظام نامه خانواده

تشکیل ساختاری که از ارتباط میان اعضای خانواده پشتیبانی می کند و دستیابی به اهداف خانواده را فراهم می کند در نهایت اعتماد را در میان اعضای خانواده بهبود می بخشد، اما ایجاد راهکار تحقق آن نیاز به زمان و سرمایه گذاری دارد. یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد و پیاده سازی ساختار تصمیم گیری خانواده، قانون خانواده است.

قانون خانواده به وضوح بیانگر ارزش ها، فلسفه ها، قوانین و انتظارات است زمانی که اعضای خانواده به عنوان کارمند یا مدیر در رابطه با کسب و کار همکاری می کنند. این قانون اساسی یک سند زنده است و محتوای آن می بایست انعطاف پذیر و به طور منظم مورد بررسی قرار گیرد تا پاسخگوی نیازهای اعضای خانواده باشد.

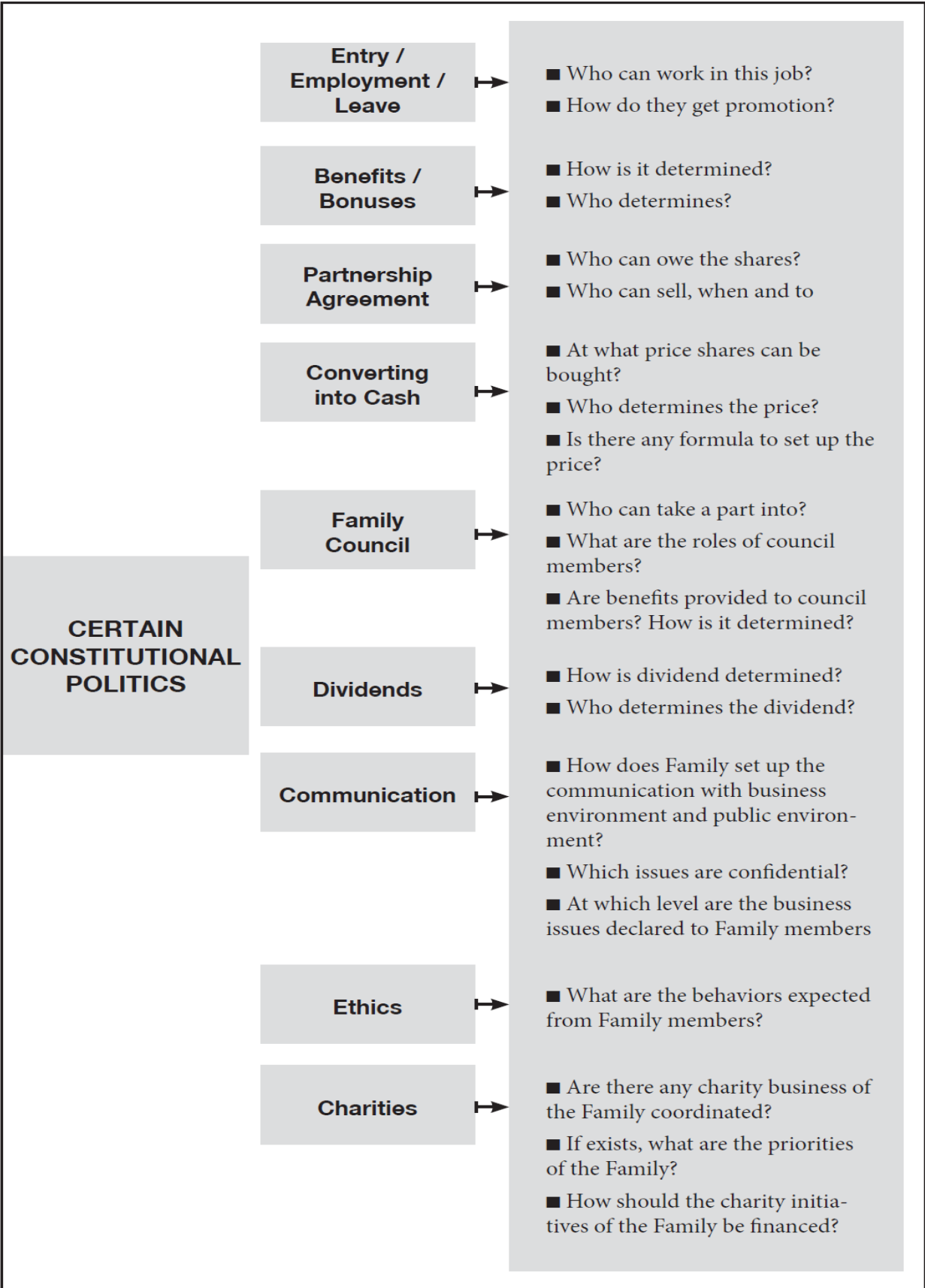
اساساً، این قانون مجموعه ای از سیاست هایی است که کسب و کار و تعامل اعضای خانواده با یکدیگر را

قانونمند می سازد.. به طور کلی قانون یاد شده فلسفه و ارزش خانواده را به عنوان مأموریت آنها تشریح می کند. خانواده بر کسب و کار تاثیر می گذارد کسب و کار بر خانواده. طرح کسب و کار خانوادگی از طرح های کسب و کارهای دیگر متفاوت است. عوامل تاثیر گذار بر کسب و کار می توانند برای مثال تعداد فرزندان، ظرفیت های آنها و همچنین سابقه خانوادگی باشند. عوامل کسب و کار که بر خانواده تاثیر می گذارند شامل معیارهایی همچون اندازه، جغرافیا، رشد و نقدینگی است. در حالی که قانون خانواده شکل می گیرد، در کنار هم قرار دادن اهداف خانواده و استراتژی های کسب و کار نیز اهمیت دارد.

برنامه ریزی برای جانشینی و جانشین پروری

برنامه ریزی برای جانشینی، یک عنصر مهم و حیاتی برای عملکرد پایدار در شرکت های خانوادگی می باشد. با استفاده از یک رویکرد پیشگیرانه در طی دوره حساس انتقال به نسل های آینده از طریق اجرای یک فرآیند برنامه ریزی شده با کمک شیوه های حاکمیت شرکتی، می شود از وقوع بحران جلوگیری کرد.

خانواده مؤسس یا مؤسسان، با رشد شرکت، رشد می کنند. فرزندان بزرگ می شوند و نوبت آنها می شود تا کنترل شرکت را بر عهده بگیرند. در این مرحله، دو مشکل متفاوت ممکن است پیش آید. اولین و شایع ترین وضعیت این است که موسسین با ایده انتقال قدرت به دلایل مختلف مخالف باشند. دلایل اصلی برای اجتناب از انتقال می تواند بطور خلاصه آن باشد که موسس به فرزندان خود اعتماد ندارد، با این تفکر که فرزندان ممکن است به دلایل مختلف موفق نشوند و همچنین این تفکر که او بعنوان موسس شرکت می تواند بهترین شیوه مدیریت را داشته باشد.



مشکل دیگر که در طول برنامه ریزی جانشینی پیش می آید آن است که فرزندان ممکن است علاقه ی به در اختیار گرفتن شرکت نداشته باشند. آنها ممکن است هیچگاه تشویق به پیوستن به کسب و کار خانوادگی نشده باشند، ممکن است به چیز های دیگری بجز کسب و کار خانوادگی علاقه داشته باشند، ممکن است فکر کنند که تحت نظارت موسس شرکت موفق نخواهند شد و در آخر اینکه ممکن است فکر کنند ساختار عادلانه هرگز در خانواده و شرکت پیش نخواهد آمد.

طرح های انتقال به نسل جدید می بایست بدون هیچگونه تاخیری برنامه ریزی و اجرا شود تا از دارایی های خانواده و همچنین از بقای نسل های آینده آن اطمینان حاصل شود. در صورتی که چنین ساختاری پیش نیاید، تضاد منافع اجتناب ناپذیر خواهد بود. از همه مهمتر، این تعارض در مدیریت شرکت نیز منعکس می شود. هر یک از وراث که مایل به کار در شرکت خانوادگی نباشد به عنوان عامل جدایی در نظر گرفته می شود. آنها ممکن است خواستار تقسیم شرکت به نسبت سهم مشارکت خود، فروش سهام شرکت به افراد خارج از شرکت شوند و یا شرکت را از درون تقسیم کنند.

برنامه ریزی برای جانشینی برای نسل جدید در جهت بقا طولانی مدت شرکت از اهمیت زیادی برخوردار است. هر گونه تاخیر در اجرای این طرح ممکن است اعضای خانواده را به سمت تصمیم گیری های دیگری سوق دهد که میتواند در شرکت اتفاق بیفتد.

شورای خانواده Family Council

شوراهای خانواده، انجمن هایی هستند که در سراسر جهان توسط بسیاری از شرکت های خانوادگی استفاده می شود. این انجمن ها با هدف افزایش ارتباطات درون خانواده عمل می کنند. در صورتی که شوراهای خانواده به طور مؤثری به کار گرفته شوند، آنها می توانند بر مسائلی مانند کمبود ارتباط میان اعضای خانواده و همچنین بیان عقاید شخصی غلبه کنند. هدف شورای خانواده تسهیل ارتباطات آزاد و شفاف در میان اعضای خانواده است. شورای خانواده ممکن است پیش نیازهایی را برای کار در شرکت تعیین کند، از برداشت های مختلف که با قدرت نمایی، خشم و انتظارات آشکار می شود جلوگیری کند، و در آخر از آن بعنوان زمینه ای برای ایجاد قانون خانواده استفاده کند.



هیات خانواده Family Board

در حالی که شورای خانواده مبتنی بر مشارکت باز است، هیات خانواده مکانیسمی است که توسط اعضای سهامدار خانواده تشکیل شده است که بر خانواده، کسب و کار و همچنین مفاهیم مربوط به سهامداران و مدیریت تمرکز دارد. علاوه بر اعضای سهامدار خانواده که وظایف مختلف اجرایی را بر عهده می گیرند، سهامداران غیر اجرایی خانواده نیز ممکن است در هیات خانواده لحاظ شوند. هیات خانواده با حفظ کانال های ارتباطی موثر با شورای خانواده، هدایت شرکت را انجام می دهد و یک سیستم حاکمیتی بوجود می آورد که از افراد خاص، مستقل است و زمینه لازم برای انتقال شرکت به نسل های آینده را مهیا می کند.

قوانین و مقررات

شیوه های حاکمیت شرکتی و کمیسیون بازار سرمایه (مقام ناظر)

حاکمیت بد یکی از دلایل مهم در پیش آمدن بحران های مالی و رسوایی یک شرکت بحساب می آید و تایید کننده اهمیت مفهوم حاکمیت خوب است. این مطلب در سطح بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است و به مانند یک عملکرد مالی مهم در نظر گرفته می شود و همچنین در خلال تصمیم گیری های سرمایه گذاری مورد تاکید قرار می گیرد.

بانک جهانی (World Bank) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به همراه مجمع جهانی حاکمیت شرکتی (GCGF) که با شرکت نمایندگان بخش خصوصی تشکیل شده است، در مطالعات مربوط به ایجاد یک چارچوب مشخص برای حاکمیت شرکتی در سراسر جهان نقش رهبری دارند. علاوه بر این، بسیاری از کشورها، از جمله کشورهایی که دارای اقتصاد توسعه یافته هستند، یا قوانین و مقررات جاری خود را بررسی کرده اند و یا در حال بررسی کردن آنها هستند نیز حضور دارند. بسیاری از کشورها تعریف جدیدی از قوانین و مقررات جاری خود که با شیوه های حاکمیت شرکتی مطابقت دارد ارائه داده اند و یا آنها را مجدداً منتشر کرده اند.

به موازات بسیاری از نمونه ها در سراسر جهان، کمیسیون بازار سرمایه، شیوه های حاکمیت شرکتی را ایجاد کرد. در طول این زمان، مقررات بسیاری از کشورها مورد بررسی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۹ "شیوه های حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)" به طور کلی پذیرفته شد و در سراسر جهان آن را توصیه کردند، در حالیکه ویژگی های منحصر به فرد ما نیز در نظر گرفته شد.

شیوه های حاکمیت شرکتی کمیسیون بازارهای سرمایه در سال ۲۰۰۳ به شرکت های دولتی به همراه اصل "اجرا کن یا توضیح بده" ارائه شد و پس از آخرین تحولات در سال ۲۰۰۵ به روز شد. یک مجموعه پیشنهادی از شیوه ها و "بیانیه مطابقت با حاکمیت شرکتی" به گزارش فعالیت های سالانه افزوده شد و از سال ۲۰۰۵ جز ملزومات شد. به دنبال قانون تجاری جدید ترکیه که انتظار می رود از سال ۲۰۱۲ به مرحله اجرا در آید انتظار می رود این شیوه های جز ملزومات لحاظ گردد.

شیوه های حاکمیت شرکتی کمیسیون بازار های سرمایه شامل چهار فصل است: سهامداران، افشا سازی برای عموم و شفافیت، ذینفعان و هیئت مدیره.

فصل اول شامل حقوق سهامداران و برخورد یکسان با آنها است. در این فصل، سهامداران حق دارند اطلاعات

بدست آورند و آنها را مورد بررسی قرار دهند، در هیات مدیره شرکت کنند و به آنها رای دهند، و سهم سود خود را دریافت کنند. حقوق اقلیت آنها نیز به جزئیات آمده است. در اینجا همچنین به برخورد یکسان با سهامداران، نگهداری سوابق انتقال آزاد سهام و فروش سهام نیز پرداخته شده است.

فصل دوم شامل شیوه های افشا سازی برای عموم و شفافیت است. در همین راستا، شیوه های افشا سازی برای عموم و همچنین شیوه های افشا سازی برای سهامداران مشخص شده اند و با در نظر گرفتن تحولات جهانی و شرایط ملی، اطلاعات مربوط به جداول مالی و گزارش مالی استاندارد شدند و با جزئیات بیان گردیدند.

فصل سوم مربوط به ذینفعان است تعریف ذینفعان شامل هر فرد، نهاد و یا گروه های ذینفع است که با فعالیت هایی که کمک می کند تا کسب و کار به اهدافش دست پیدا کند، در ارتباط باشد. ذینفعان شرکت شامل ذینفعان، کارکنان سهامداران، اعتباردهندگان، مشتریان، تامین کنندگان، انجمن های کارگری، سازمان های غیر دولتی مختلف، دولت و حتی سرمایه گذاران بالقوه تشکیل شده است. شیوه های مربوط به تنظیم روابط بین شرکت و ذینفعان در اینجا آورده شده است.

فصل چهارم شامل شیوه های مربوط به کارکردها، موقعیت، مسئولیت ها، فعالیت ها و تشکیل هیات مدیره، حقوق مالی داده شده به هیات مدیره، کمیته و مدیرانی که در زمینه کاری خود به هیات مدیره کمک کرده اند.

در فصل مربوط به هیئت مدیره، توصیه می شود که هیئت مدیره باید شامل دو نوع از اعضای اجرایی و غیر اجرایی باشد. اگر یکی از اعضای هیئت مدیره وظیفه اجرایی مثل مدیریت اجرایی در شرکت را داشته باشد، این عضو هیئت مدیره به عنوان عضو اجرایی تعریف شده است. به همین ترتیب، یک عضو غیر اجرایی هیئت مدیره کسی است که وظیفه اجرایی بجز عضو هیئت مدیره بودن در شرکت ندارد. همانطور که اسناد شرکت موجود است مدیر ارشد اجرایی بالاترین پست و مقام را در شرکت دارد. بر اساس سیستم بین المللی مدیریت این شخص مدیرعامل نامیده می شود. اگر شرکت در ساختارش یک مدیر اجرایی ارشد نداشته باشد، مدیر کل همان وظایف را انجام خواهد داد.

اصلاحات قانون جدید تجارت ترکیه در رابطه با حاکمیت شرکتی

قانون تجاری جدید ترکیه بطور رسمی در شماره ۲۷۸۴۶ روزنامه رسمی مورخ ۱۴ فبریه ۲۰۱۱ بصورت قانون درآمد و اعلام گردید. بنابراین "حاکمیت شرکتی" که ملزم می کند مدیریت و حسابرسی شرکت ها بر اساس شیوه های پاسخگویی، انصاف، شفافیت و مسئولیت پذیری انجام گیرد، روز بروز بر اهمیت آن افزوده شد و همین امر موجب ایجاد ستون های کتاب قانون جدید تجاری شرکت های ترکی شد.

بر اساس ماده ۱۵۲۹ قانون جدید تجاری ترکیه، شیوه های رهبری شرکت ها در شرکت های دولتی، توضیحات

اولیه شرکت ها در باره هیات مدیره، و روشهای رتبه بندی و نتایجی که با بکار گرفتن این شیوه های حاصل می شود می بایست توسط کمیسیون بازار سرمایه بدست آمده باشد. در این ماده آمده است که "به شرطی که نظر مثبت کمیسیون بازار سرمایه به دست آمده باشد، سازمان و نهادهای دولتی دیگر مجاز هستند مقررات محدودی در رابطه با شیوه های حاکمیت شرکتی که مربوط به حوزه کسب و کار آنها می باشد ایجاد کنند".

با تصویب قانون جدید تجاری ترکیه، اهمیت شیوه حاکمیت شرکتی به احتمال زیاد افزایش پیدا خواهد کرد و انتظار می رود زمینه های استفاده از آن در دامنه وسیع تری گسترش یابد.

اصلاحاتی که قانون جدید تجارت ترکیه به ارمغان آورده به شرح زیر است:

تفکر غالب در قانون جدید تجاری ترکیه آن است که هر چند حاکمیت شرکتی مجموعه ای از قوانین پیش بینی شده برای شرکت های بورس می باشد، ولی برای سرمایه گذار مجموعه ای از قوانین مطمئن و پایدار است که می بایست به صورت خاص در تمام زمینه های کسب و کار مورد استفاده قرار گیرد.

مقررات آماده سازی برای آینده، *PricewaterhouseCoopers*

شیوه های حسابداری در حال تغییرات اساسی هستند.

گزارش دهی مالی بین المللی، زبان مشترک شیوه های حسابداری سراسر جهان، در حال ورود به استانداردهای حسابداری ترکیه (TMS) ، قانون تجارت جدید ترکیه و قانون اساسی ترکیه است. حتی مقالات مجله ها، که عنصر اساسی حسابداری در کسب و کارها می باشد توسط استانداردهای حسابداری ترکیه آماده خواهد شد. این آیین نامه، انقلابی در شیوه های حسابداری در ترکیه است.

حسابرسی در حال منسوخ شدن است و حسابرسی مستقل در حال ورود است.

همزمان با قانون جدید تجارت ترکیه سیستم بازرسی نیز در حال تغییر اساسی می باشد. در قانون جدید، حسابرسان بخشی از شرکت به حساب می آیند. به عبارت دیگر آن قدرتی که قبلاً وجود داشت منسوخ شده است. حسابرسی کلیه شرکت ها به هر اندازه که باشند در اختیار شرکت های حسابرسی مستقل قرار گرفته است و در صورتی که شرکت سرمایه متوسط یا کم داشته باشد حسابرسی بدست یک SMMM (اتاق حسابداران رسمی) YMM (اتاق حسابداران رسمی و سوگند یاد کرده) سپرده می شود. اینچنین حسابرسی

هایی بر اساس استانداردهای بین المللی، حسابرسی مستقل می باشند. دامنه حسابرسی کل سیستم حسابداری است، از جمله جداول مالی تلفیقی، گزارش های سالانه و موجودی شرکت و شرکت های وابسته. اگر جداول مالی توسط یک حسابرس آماده نشده باشد از لحاظ قانونی قابل پذیرش نیست. در صورتی که جداول مالی توسط یک حسابرس حسابرسی نشده باشد مجمع عمومی نمی تواند تصمیمی در رابطه با توزیع سود بگیرد. اگر تصمیمی نیز گرفته شود، باطل و از درجه اعتبار ساقط می باشد. در شرایطی که حسابرس نظر منفی ارائه دهد و یا از دادن هر نظری طفره رود، مجمع عمومی می بایست با برگزاری یک نشست فوق العاده، هیات مدیره جدید انتخاب کند و حسابرسی می بایست دوباره انجام شود.

سهامداران قادر نخواهد بود از شرکت های خود قرض بگیرند

در قانون جدید تجارت ترکیه قرض گرفتن پول شرکت توسط سهامداران ممنوع است بجز مواردی که در خواست بصورت تقاضانامه صورت گرفته باشد. هدف از اجرا این قانون آن است که از شیوه های رایج، بد و ریسکی در کسب و کار جلوگیری شود و در نتیجه به سهامداران اجازه داده نشود تا از بودجه شرکت در کسب و کارهای دیگر و معاملات استفاده کنند، و همچنین به آنها اجازه داده نشود تا برای هزینه های شخصی از این کانال استفاده کنند، و حتی به آنها اجازه داده نشود تا از شرکت پولی برداشت کنند.

می توان شرکتهای سهامی خاص و یا شرکتهایی با مسئولیت محدود تک نفره تاسیس کرد.

یکی از تغییراتی که در نتیجه قانون جدید تجارت ترکیه است، تاسیس یک شرکت سهامی خاص با یک سهامدار سهامداران و شرکت دارای مسئولیت محدود با یک شریک است. قانون فعلی شرکت های سهامی خاص را ملزم به داشتن حداقل پنج سهامدار می کند و شرکت های دارای مسئولیت محدود نیز باید حداقل دو شریک داشته باشند. بر طبق قانون جدید تجارت ترکیه تنها یک سهام دار یا یک شریک قادر به استفاده از تمام قدرت هیات مدیره و تصمیم گیری ها خواهد بود.

تغییرات ساختاری مهم در هیات مدیره

- به موازات مفهوم مالکیت یک فرد، هیئت مدیره می تواند از یک نفر تشکیل شود.
- هیات مدیره ملزم به داشتن سهمی از سهام شرکت نخواهد بود.
- اشخاص حقوقی می توانند به عنوان اعضای هیئت مدیره خدمت می کنند.
- حداقل یک چهارم از اعضای هیات مدیره می بایست آموزش عالی داشته باشند.
- حداقل یکی از اعضای هیات مدیره که نماینده شرکت است می بایست شهروند ترکی باشد و در ترکیه اقامت داشته باشد.

- به شرطی که تغییرات لازم در اساسنامه به منظور فراهم نمودن نمایندگی برای تمام گروه های ذینفع فراهم آمده باشد، نمایندگی به برخی از گروه های سهام دار، سهامدارانی که از گروه های خاص باشند، و اقلیت ها داده می شود.

وظایف و اختیارات غیر قابل انتقال وارد هیات مدیره می شود

تغییر مهمی که در قانون فعلی بوجود آمده این است که قانون جدید تجارت ترکیه به هیات مدیره وظایف و اختیارات خاصی می دهد که نمی توان آنها را به شخص دیگری از جمله مدیران و هیات اجرایی یا هیات عامل شرکت منتقل کرد. برخی از این وظایف و اختیارات عبارتند از:

- الف) مدیریت عالی شرکت.
 - ب) تعیین ساختار سازمانی.
 - ج) مفاهیم پایه ای اقتصاد کسب و کار همچون حسابداری، کنترل مالی (کنترل داخلی و حسابرسی مستقل)، تشخیص ریسک و مدیریت و برنامه ریزی مالی.
 - د) تعیین و برکناری افراد صاحب امضا.
 - ه) نظارت عالی بر افراد در مدیریت، برای تعیین اینکه آیا آنها مطابق با قوانین و مقررات داخلی عمل می کنند.
 - ج) بررسی و ارائه گزارش سالانه و وضعیت حاکمیت شرکتی به هیات مدیره.
 - چ) اطلاع رسانی به دادگاه در صورت بدهی .
- اعضای هیات مدیره که مسئولیت شان را آنچنان که قانون جدید تجاری ترکیه اجباری کرده است انجام ندهند ممکن است با اتهامات حقوقی و کیفری مواجه گردند .

وظیفه مراقبتی / امانتداری هیات مدیره ها در حال تغییر است

قانون جدید تجارت ترکیه، مفهوم "مدیر هشیار و آگاه" (Cautious Manager) را به عنوان یک استاندارد جدید در رابطه با وظیفه هیات مدیره برای مراقبت کردن به جای "یک تاجر با احتیاط" (Prudent Business man معرفی میکند. از مفهوم مدیر هشیار و آگاه ، باید بدانیم که مدیر قادر به انجام وظایف خود می باشد و دارای مهارت های لازم و آموزش برای ارزیابی اطلاعات مربوطه و همچنین پیگیری کردن و نظارت بر عملکرد و پیشرفت می باشد. بر طبق قانون جدید تجارت ترکیه، یک عضو هیات مدیره باید ریسک های ناشی از بحران ها را در اقتصاد را شناسایی کند، تغییرات در شرایط بازار و آنچه در آن قطعیت ندارد را شناسایی کند و اقدامات لازم را انجام دهد. در غیر این صورت وی مسئول شکست خواهد بود. بر اساس قانون

جدید، مسئولیت در این معنای خاص واقع بینانه تر است.

هیات مدیره های حرفه ای در حال حرکت به جلو هستند

تغییراتی که قانون جدید تجارت ترکیه در مسئولیت های مدیریتی شرکت ها بوجود می آورد از لحاظ حرفه ای بودن هیات مدیره بسیار مهم است. این قانون به هیات مدیره از طریق حفاظت از قوانین حاکمیت شرکتی شرکت ها و از لحاظ جنبه های عملکردی و ساختاری شکلی قانونی می دهد و همین زمان مدیریت حرفه ای و شفافیت را در نظر می گیرد.

واحدهای زیر مجموعه شرکت ها در قانون جدید تجارت ترکیه نظامند می شوند

با تصویب قانون جدید تجارت ترکیه، روابط بین شرکای (شرکت مادر) اصلی و تابعه (شرکت زیر مجموعه) بطور مساوی بر سه اصل شفافیت، پاسخگویی و سود تعیین می شود.

مفهوم مدیریت ریسک شرکت

قانون جدید تجارت ترکیه در صورت لزوم، تشکیل کمیته هایی برای تشخیص زود هنگام ریسک ها در شرکت های سرمایه را اجباری می کند. در این مرحله، مقدار قابل توجهی از مسئولیت به حسابرسان مستقل اختصاص داده شده است. تشکیل این کمیته ها همچنین برای شرکت هایی که سهام آنها بطور عمومی در بورس اوراق بهادار معامله می شود مورد نیاز است.

انتقال اختیارات مدیریتی بروشنی انجام می گیرد

با عنایت به یک ماده از قرارداد در قانون جدید تجارت ترکیه، هیات مدیره می تواند بخشی یا تمام اختیارات مدیریتی خود را به یک یا چند تن از اعضای داخل یا خارج از هیات مدیره مطابق با مقررات داخلی انتقال دهد.

نشست مجمع عمومی و هیات مدیره در محیط الکترونیکی برگزار می شود

یکی از مقررات قابل توجه این است که قانون جدید تجارت ترکیه اجازه می دهد نشست های مجمع عمومی و هیات مدیره در محیط الکترونیکی برگزار شود. با فرض اینکه در اساسنامه شرکت، لحاظ شده باشد، اعضا قادر خواهند بود از طریق ابزارهای ویدئویی و سمعی و بصری در نشست های هیات مدیره و مجمع عمومی شرکت کنند و رای گیری نیز صورت پذیرد. در مورد داشتن نماینده در این نشست ها، مفاهیم نماینده سازمان، نماینده مستقل و نماینده شرکت در قانون یاد شده لحاظ شده است. شرکت می تواند کسانی که در رابطه با او هستند را برای نماینده شدن به سهامداران توصیه کند، اما اشخاص دیگر نیز که هیچ رابطه ی با شرکت و اهداف آن ندارند نیز می توانند در این مقوله جای گیرند.

نیاز برای یک وبگاه اینترنتی

قانون جدید تجارت ترکیه شرکت های سرمایه را ملزم به ایجاد یک وبگاه اینترنتی می کند. آنها باید بخشی از آن را برای خدمات جامعه اطلاعاتی اختصاص دهند. این وبگاه به کلیه عناصر تکمیلی، جداول مالی و گزارش حسابرسی، و همچنین گزارش ها و اطلاعاتی که ممکن است نظر بازیگران بازارهای سرمایه را به خود جلب کند مجهز خواهد شد. در غیر این صورت تحریم های قانونی و کیفری اعمال خواهند شد.

دموکراسی سهامدار بودن: تقویت حقوق اقلیت ها

ساختار سهامداری و حقوق سهامداران اقلیت، و همچنین حقوق دعوی قضایی سهامداران، در قانون جدید تجارت ترکیه لحاظ شده است.

اصلاحات عمده در ادغام، تقسیم، و تغییر نوع شرکت

ادغام، تقسیم و تغییر نوع شرکت در جزئیات قانون جدید تجارت ترکیه لحاظ شده است. همراه با مقالات جدید، اینچنین مقررات ساختاری نه تنها این تغییرات را به شکل قابل اعتمادی، شفاف و از طریق فرآیند ساده ای اجرا می کند، بلکه از اعتبار دهندگان، ذینفعان و دیگر سهامداران حفاظت می کند. علاوه بر این، برای انتقال کارگران به شرکت منتقل شده، و همچنین حقوق و مسئولیت های آنها، به طور مفصل در قانون یاد شده، آمده است.

مسئولیت های حقوقی/کیفری افزایش پیدا می کند و مشخص تر می شوند

در صورتی که سهامداران و عضو هیات مدیره به مسئولیت هایی که در قانون یاد شده لحاظ شده است عمل نکنند، آنها با اتهام های حقوقی و کیفری مواجه خواهند شد. بسیاری از این تعهدات کیفری، جدید هستند. جریمه های مهم قضایی در قانون جدید تجارت ترکیه آمده است که دائماً در سوابق افراد در صورتی که محکوم شوند، انعکاس خواهد داشت.

حاکمیت شرکتی و روزنامه نگاری اقتصادی

اهمیت حاکمیت شرکتی برای روزنامه نگاران اقتصادی

بحران های اقتصادی، رسوایی های شرکت ها و مشکلات همیشگی در شرکت های خانوادگی نشان می دهد که روزنامه نگاران اقتصادی می بایست به طور کامل کار یک شرکت مدرن را درک کنند تا بتوانند درک خوبی از عملکرد کسب و کار در چارچوب حاکمیت شرکتی داشته باشند.

برای یک روزنامه نگار کسب و کار، درک اینکه چگونه بسیاری از مشکلات مختلف زیر سقف حاکمیت شرکتی مکمل یکدیگر هستند و چگونه بر عملکرد شرکت تاثیر می گذارند و همچنین انتقال آن به خوانندگان خود بر اساس اثربخشی مطالعات و خبرها، بسیار حائز اهمیت است. اگر روزنامه نگاران اقتصادی به این درک نرسند قادر نخواهند بود تا داستان را بطور کامل ارائه دهند.

اخبار بد بال دارند در حالی که اخبار خوب حتی پای راه رفتن را نیز ندارند.

M.cavendish

استفاده از سیاست ها و روش ها برای مدیریت موثر یک شرکت و ارائه سود پایدار، حیاتی است. درک عموم از این نقش حیاتی نیازمند این است که یک روزنامه نگار کسب و کار توانایی نوشتن گزارشی کارآمد و دادن اخبار مشکلات حاکمیت شرکتی را داشته باشد. بسیاری از بحران های اقتصادی جهانی و ترکیه و رسوایی های شرکت ها در طول سال های اخیر برخاسته از عدم موفقیت در اجرا حاکمیت شرکتی بوده که این امر تاثیر منفی بر کل جامعه داشته است. در این مرحله، به خصوص سهامداران سرمایه گذار می بایست درباره عوامل مربوط به فرآیند تصمیم گیری شرکتها و نتایج آن آگاه باشند و به آنها اطلاعات مربوط داده شود. اخبار و گزارش های یک روزنامه نگار کسب و کار نقش حیاتی در برآوردن این نیاز دارد.

در نتیجه، به محض اینکه روزنامه نگاران اقتصادی با درک شیوه های حاکمیت شرکتی اخبار خود را ارائه دهند، آنها قادر به ردیابی مشکلات، سؤال کردن از طریق استخراج اطلاعات حساس و ارائه موضوعات پیچیده به عموم مردم به همراه علل اصلی آنها و به شیوه ی قابل درک خواهند بود.

نقش روزنامه نگار کسب و کار در پیاده سازی شیوه های حاکمیت شرکتی

در نتیجه اعتمادی که روزنامه نگار کسب و کار در عموم مردم ایجاد می کند، تحقیق و تجزیه و تحلیل روزنامه نگاران بر کسب و کار، سیستم آموزش عالی، دولت و سایر ذینفعان تاثیر می گذارد. روزنامه نگاران در جستجوی موضوعاتی هستند که با استفاده از مهارت خود در پیش بینی کردن و افشای مشکلات، سوء استفاده از قدرت و فساد، در اخبار و گزارش های خود راجع به آنها به مردم هشدار دهند. هر گاه فقدان قوانین و سیستم حقوقی ناکافی وجود داشته باشد، مطالعات انجام شده روزنامه نگاران اقتصادی می تواند مانند یک پادزهر قوی عمل کند. بنابراین، پتانسیل روزنامه نگاران کسب و کار وبستر رسانه های فعال برای توسعه شیوه های حاکمیت شرکتی خوب، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

رسانه های کسب و کار با ارائه نمونه هایی از شیوه های خوب و بد حاکمیت شرکتی در اخبار خود، دارای قدرت قابل توجهی در توضیح این شیوه های به جامعه است. رسانه های کسب و کار می توانند به توسعه شیوه های حاکمیت شرکتی خوب، با ایجاد آگاهی عمومی در مورد مشکلات اساسی این شیوه های کمک کنند. در نتیجه، رسانه های کسب و کار می توانند به بهبود بخش خصوصی و پایداری شرکت ها کمک کنند. از این منظر، رسانه های کسب و کار یکی از بازیگران اصلی در توسعه اقتصادی می باشند.

مطالعات انجام شده توسط روزنامه نگاران اقتصادی برای کمک به سرمایه گذاران، دولت و سایر ذینفعان جهت درک شیوه های حاکمیت شرکتی بد و انجام اقدامات احتیاطی لازم به منظور جلوگیری از رسوایی و ورشکستگی بالقوه شرکتها، حیاتی است. تحولات امروز نشان می دهد که سهامداران نیاز روزافزونی به اطلاعات مربوط به جزئیات سیاست های حاکمیت شرکتی دارند. بحران های اقتصادی جهانی در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، شیوه های حسابداری همراه کننده، شیوه های ضعیف مدیریت ریسک، و مشکلات مربوط به مسئولیت پذیری هیات مدیره و تصمیم گیری های مدیریت، سرمایه گذاران را مجبور کرد بیشتر به دنبال شفافیت در شرکت های که در آن مایل به سرمایه گذاری هستند باشند. از سوی دیگر، شرکت های خانوادگی بیشتری به منظور ادامه حیات، رشد و جذب سرمایه گذاران، نیاز به سرمایه دارند. همه این تحولات اخیر بطور قابل توجهی نشان می دهد که روزنامه نگاری اقتصادی با مطالعات خود و اخبار مربوط به شیوه های حاکمیت شرکتی، تاثیر جلو برنده ای بر اقتصاد و سرمایه گذاری دارد.

شرکت ها دارای گروه بزرگی از سهامداران هستند. رسانه ها، بعنوان یکی از ابزارهای مشترک ارتباطی این گروه، دارای مسئولیت قابل توجهی در پایداری جهان دارند. امروزه دیگر کار صرفاً برای سود منسوخ شده و رسانه ها قدرت و مسئولیت دارند تا مدیریت غیر مسئولانه یک شرکت را ردیابی کنند و زمانی که لازم باشد به قانون گذاران در این رابطه هشدار دهند.

حاکمیت شرکتی در کانون اخبار

این امر حقیقت دارد که امروزه بسیاری از مشکلات مدیریت در اثر فقدان شیوه های حاکمیت شرکتی است. بنابراین، درک روزنامه نگاران اقتصادی از فلسفه حاکمیت شرکتی و منعکس کردن این فلسفه در اخبار، نظرات و ارزیابی اشان کمک عمده ای به اقتصاد خواهد کرد. چنین رویکردی به روزنامه نگاران اقتصادی کمک خواهد کرد تا مشکلات حاکمیت شرکتی را بطور موثر پیگیری کنند، از طریق پرسیدن سوالات بجا اطلاعات حیاتی بدست آورند، ارزیابی کاملی داشته باشند، و در آخر اطلاعات بدست آمده را در اختیار عموم بگذارند. به عبارت دیگر، یک روزنامه نگار اقتصادی مفهوم حاکمیت شرکتی را در مرکز توجه اخبار خود قرار دهد، با غنی ساختن ارزیابی ها و نظرات خود در متن اخبار، بیشترین کمک را به عموم درباره شیوه های خوب و بد حاکمیت شرکتی خواهد داشت.

در فصل بعد، عناصری که روزنامه نگاران اقتصادی ممکن است در اخبار، نظرات و ارزیابی های خود در مورد شرکت ها از دیدگاه حاکمیت شرکتی در نظر بگیرند بطور خلاصه ارائه شده است.

آیا منافع شرکت با منافع اعضای هیات مدیره تضاد دارد؟

- آیا در میان اعضای هیات مدیره تضاد منافع وجود دارد که از کارایی موثر آنها بعنوان نمایندگان سهامداران جلوگیری بعمل آورد؟
- آیا در میان اعضای هیات مدیره کسی وجود دارد که نماینده دولت یا اتحادیه های کارگری باشد؟
- آیا یک سهامدار عمده، هیات مدیره را کنترل می کند؟

آیا حقوق و مزایای هیات مدیره به اندازه کافی است تا آنها بتوانند مطابق با منافع شرکت مربوطه عمل کنند؟

- آیا اعضای هیات مدیره بمقدار کافی پاداش و دیگر مزایا دریافت می کنند تا سهامداران را از حرکت مسئولانه با توجه به منافع اشان بر حذر دارد؟
- آیا کمیته هایی برای تعیین مقدار پاداش اعضای هیات مدیره وجود دارد و آیا این اطلاعات در دسترس عموم قرار می گیرد؟
- سیستم های پاداش و به برنامه های حق مالکیت سهام (Stock Option) چگونه عمل می کنند؟

ساختار مالکیت / سهامداری هیات مدیره چیست؟

- چه درصد از سهام به اعضای هیات مدیره تعلق می گیرد؟
- آیا عضوی به نمایندگی از سهامداران اقلیت وجود دارد؟

آیا رئیس هیات مدیره مستقل است؟

- آیا نقش رئیس هیات مدیره و نقش مدیر عامل یا مدیر اجرایی از یکدیگر جدا است؟
- آیا رئیس هیات مدیره دارای شخصیت قوی برای دفاع از عقاید خود در برابر عقاید مدیر عامل می باشد؟

آیا هیات مدیره مستقل است؟

- چه تعداد اعضای اجرایی / موظف و غیر اجرایی/غیر موظف در هیات مدیره وجود دارد؟
- آیا غیر از اعضای غیر موظف، آنهایی که با شرکت به غیر از عضو هیات مدیره بودن ارتباطی ندارند، عضو کاملاً مستقلی وجود دارد؟

آیا هیات اجرایی / عامل وجود دارد؟ آیا این هیات عامل بطور منظم جلسات برگزار می کند و پس از این جلسات به هیات مدیره گزارش ارائه می دهد؟

آیا کمیته های هیات مدیره که در زیر آماده است و می بایست مطابق با موقعیت و نیازهای شرکت باشند وجود دارد؟

- کمیته حسابرسی.
- کمیته مدیریت ریسک.
- کمیته مدیریت پاداش.
- کمیته مدیریت گزینش هیات مدیره.
- کمیته مسئولیت های اجتماعی.
- سایر کمیته های ویژه برای نیازهای سازمان.

آیا عملکرد هیات مدیره، کمیته ها و مدیریت اجرایی بطور دوره ای ارزیابی می شود؟

- آیا محدودیتی برای رای دادن وجود دارد؟

- آیا تمام اعضای هیات مدیره می توانند در جلسات عمومی هیات مدیره شرکت کنند؟
- آیا مشکلی، از جمله برگزاری جلسات هیات مدیره در تاریخ هایی که امکان برگزاری جلسه نیست و یا در مکان های نامشخص دور وجود دارد؟
- آیا محدودیت های قانونی از قبیل نیاز به گواهی محضری و رسمی برای رای دادن اشخاصی که دارای وکالت هستند وجود دارد و یا آیا این اشخاص می توانند رای خود را از طریق پست بفرستند؟
- آیا اعضای هیات مدیره قادر به دریافت اطلاعات کامل و اسناد مربوط به شرکت، به موقع و به طور منظم هستند؟
- آیا اعضای هیئت مدیره و یا مدیریت ارشد با استفاده از کانال های رسمی ارتباطی درآمد مالی خود را که از طریق عملیات کسب و کار بدست آمده و بطور مستقیم تحت تاثیر منافع شخصی آنها است را اعلام می کنند؟
- آیا سازمان سیاست های رسمی مربوط به همه سهامداران خود را نوشته است و آیا آنها در دسترس هستند؟
- آیا اطلاعات کافی در اختیار سرمایه گذاران برای تصمیم گیری های سرمایه گذاری قرار می گیرد؟
- آیا اطلاعات کافی در مورد مشکلات و ریسک های واقعی وجود دارد؟
- آیا تهدید عمده ای که بر عملکرد شرکت تاثیر گذارد و یا جلوی آن را از رسیدن به اهداف مالی، عملیاتی و انطباقی که مورد ارزیابی قرار گرفته و گزارش شده است را بگیرد وجود دارد؟
- آیا تحولاتی که ممکن است ریسک هایی را برای شرکت در پی داشته باشد و یا فرصت هایی برای فعالیت های شرکت به وجود آورد، نظارت می شود؟
- آیا این چنین ریسکها و فرصت هایی به نحو احسن با استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک، کنترل و بررسی می شوند؟

آیا برنامه های کسب و کار (برای مثال طرح های ۳ ساله) شرکت آماده شده است؟ آیا این طرح ها حداقل شامل موارد زیر می شود؟

- اهداف شرکت یا همان هدف اصلی و ارزشهای اساسی که در اهداف سازمان موجود است.
- بررسی کسب و کار، از جمله تجزیه و تحلیل های مربوط به محصول، بازار و بازاریابی.
- منابع انسانی.
- عوامل ریسک که ممکن است بر عملکرد کسب و کار تاثیر گذارد.
- عوامل کلیدی موفقیت فعالیت ها، اهداف کوتاه مدت و بلند مدت، نقاط عطف و نقاط تصمیم گیری.

آیا بدهی فعلی شرکت در جلسات عمومی هیات مدیره اعلام می شود؟
آیا گزارش فعالیت های سالانه هر سال منتشر می شود و آیا این در وبگاه شرکت قابل دسترسی است؟

آیا گزارش فعالیت حداقل به موضوعاتی که در پی می آید می پردازد؟

- مروری بر شرکت و ارزیابی فعالیت های آن.
- پیام هیات مدیره و مدیر عامل یا مدیر کل.
- جزئیات کمیته های اجرایی (مدیریت ارشد) و هیات ناظران.
- عملکرد سهام.
- نتایج فعالیت های مالی و عملیاتی شرکت، تجزیه و تحلیل و ارزیابی این نتایج، میزان تحقق فعالیت های برنامه ریزی شده، موقعیت شرکت در مقایسه با مجموعه اهداف استراتژیک شرکت.
- استراتژی و اهداف شرکت.
- مسئولیت اجتماعی شرکت و سیاست های پایداری و فعالیت های مربوط.
- سیاست های مربوط به اعضای هیات مدیره و مدیران کلیدی (حقوق و دیگر مزایا)،
- اطلاعات بیشتر در مورد اعضای هیات مدیره از جمله شایستگی های آنها، فرآیند انتخاب و تعهدات دیگر شرکت.
- عوامل ریسک زا.
- جداول مالی حسابرسی شده و گزارش حسابرسی ها همراه با تبصره ها.

آیا گزارش چگونگی پیروی از اصول حاکمیت شرکتی در گزارش فعالیت های سالانه لحاظ شده است؟

آیا حداقل موضوعات زیر در این بخش از گزارش آمده است؟

- نام ها و نقش مدیرانی که در طول سال کار می کردند.
- تناوب جلسات هیات مدیره.
- نقش ها و مسئولیت های هیات مدیره.
- عناوین موضوعات مسئولیت های اعضای هیات مدیره.
- گزارشات مالی از قبیل بودجه تایید شده توسط هیات مدیره، نتایج در مقایسه با بودجه و تجدید نظر منظم در آن به عنوان یک مرجع.
- مسئولیت های کمیته های تحت نظارت هیات مدیره.

- مسئولیت مدیران با توجه به آماده سازی جداول مالی.
- بیانیه نظرات مدیران در مورد مسائل مهم مربوط به سازمان.
- انتخابات مدیران والزامات جهت انتخاب مجدد.
- توزیع وظایف هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیر کل.
- ریسک هایی که متوجه شرکت است و مدیریت این ریسک ها.
- دلایل عدم اجرا اصول حاکمیت شرکت ها، در صورتی که اتفاق افتاده باشد.
- سوابق حضور و غیاب مدیران در جلسات.
- برنامه های آموزشی برای مدیران.
- سطح پذیرش مدیران نسبت به توصیه های مستقل.
- روابط با ذینفعان.

گزارش های مالی سازمان که به طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته به شیوه ای آماده شده است که رضایت همه ذینفعان را برآورده باشد؟

- چه استانداردهای حسابداری (از جمله استانداردهای بین المللی گزارش دهی مالی، استانداردهای داخلی و غیره) در تهیه جداول مالی مورد استفاده قرار گرفته اند؟
- آیا گزارش های مالی به موقع تهیه و در دسترس سهامداران قرار گرفته است؟
- آیا در گزارش ها توجیه دقیق تغییرات در سیاست های حسابداری لحاظ شده است؟
- آیا جزییات فعالیت شرکت های تابعه گزارش آمده است؟
- آیا گزارش های مالی توسط یک شرکت حسابرسی معتبر حسابرسی شده است؟
- آیا از لحاظ پیشینه، شرکت حسابرسی تابعه که با شرکت کار می کند کارهای مربوط به حسابرسی را انجام می دهد؟

چگونه روابط بین حسابرس و هیات مدیره یا مدیریت ارزیابی می شود و آیا حسابرس به صورت دوره ای تغییر می کند؟

- آیا گزارش های مالی و غیر مالی شرکت برای سرمایه گذاران برای تصمیم گیری کافی است؟
- آیا این گزارش به بررسی مشکلات واقعی این شرکت می پردازد؟ آیا در گزارش دلیل اصلی این مسائل بیشتر عنوان شده است یا ارائه دلیل اصلی فقط تحت اللفظی می باشد؟

- آیا اظهارات حاکمیت شرکتی به موقع، بطور دقیق و شفاف تهیه شده اند؟

اصول اخلاقی انجمن روزنامه نگاران اقتصادی

هدف اصلی روزنامه نگاری، در اختیار عموم گذاشتن اطلاعات شفاف، دقیق، مرتبط، به موقع و کامل است. روزنامه نگار، در واقع، با انجام اطلاع رسانی به مردم وظیفه ای اجتماعی برای آنها انجام می دهد. بنابراین، روزنامه نگاران باید به ارزشهای انسانی وفادار باشند و از جنگ افروزی، حمایت از مسابقه تسلیحاتی، ستایش خشونت، نژادپرستی و تبعیض، و همچنین حمایت از رژیم های سرکوبگر و فعالیت های مشابه بپرهیزند. یک روزنامه نگار واقعی از ارزش های جهانی مانند صلح، دموکراسی، حقوق بشر و توسعه اجتماعی حمایت می کند. انجمن روزنامه نگاران اقتصادی این ارزشها را در ساختار خود نهادینه کرده است و مصمم است تا از آنها محافظت کند. علاوه بر این، شیوه های کار و حرفه نیز در مطالعاتی که در پی می آید ارائه شده است. خلاصه ی مطالعاتی که انجام گرفته است در پی می آید:

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی اخبار دریافت شده را بررسی می کنند. به حق پاسخ دادن و اصلاح کردن احترام می گذارد و تلاش می کند دیگران نیز چنین کنند.

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی از همکاران خود زمانی که آنها در معرض رفتار بی رحمانه، غیر قانونی، و بازداشت و محاکمه ناعادلانه قرار می گیرند حمایت می کنند. آنها تلاش می کنند در این زمینه متحد باشند.

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی نمی توانند از شغل خود به عنوان ابزاری برای افترا استفاده کنند.

اعضای انجمن روزنامه نگاران کسب و کار، حتی اگر از لحاظ قانونی برای آنها منعی نباشد، نمی توانند از اطلاعات اقتصادی و مالی به نفع خود و یا برای منافع بستگان خود قبل از اینکه آنها را منتشر کنند، استفاده کنند. اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی به شرکت های دولتی در جلسات مطبوعاتی خود هشدار می دهند که باید سخت کوش و منصف باشند.

اعضای انجمن روزنامه نگاران کسب و کاری بایست به اشخاص مربوطه زمانی که خود و یا یکی از بستگان درجه اول آنها به پستی در یک سازمان سرمایه گذاری که تضمینی در سود دهی آن نیست دست پیدا می کنند اطلاع دهند. هنگامی که آنها تجزیه و تحلیل و یا نظری در باره این سازمان ها ارائه می دهند بهتر آن است که اعلام کنند آنها در آن سازمان دارای پست و مقامی هستند. اگر افرادی غیر از روزنامه نگاران در رسانه ها و یا مطبوعات مقاله ای یا گزارشی بنویسند، اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی انتظار دارند آنها خود را معرفی کنند و توصیه می کنند موارد زیر اعمال شود:

عناوین واقعی و شغل افرادی که به طور مداوم و یا گهگاه در رسانه های مطبوعاتی و در زمینه روزنامه نگاری فعالیت می کنند می بایست بدرستی اعلام شود و مردم می بایست درباره جایگاه آنها بدانند. این اطلاعات را می توان با استفاده از ستاره ای در کنار نام افرا دیاد شده، اضافه کرد. اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی نمی توانند از سازمان های بخش دولتی و یا خصوصی، مقامات و سازمان هایی که خدمات روابط عمومی برای این سازمان ها ارائه می دهند هدیه ای دریافت کنند، تاجایی که چنین هدیه ای بی طرفی در خبر و تحلیل های روزنامه نگار، تحت تاثیر آن قرار گیرد.

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی نمی توانند اخباری که با استقبال عموم همراه نیست را منتشر کنند مگر اینکه منافع عمومی آنها طلب کند. آنها توجه ویژه ای به محرمانه بودن منابع خبری و اسرار حرفه ای دارند.

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی نمی توانند از طرف خود، از طرف سازمان خود، اشخاص ثالث و یا دیگر اشخاص یا سازمان ها با استفاده از هویت، عملکرد و قدرت خود کسب و کاری انجام دهند.

در صورتی که تقاضایی از اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی برای اخبار با ویژگی های تجاری و یا تبلیغاتی وجود داشته باشد، آنها نمی توانند اینچنین اخباری را ارائه دهند مگر اینکه تضمین شود که این اخبار با عنوان "تبلیغات" یا "تجاری" مشخص شده باشد.

اعضای انجمن روزنامه نگاران اقتصادی نمی تواند به هیچ وسیله ی حقیقت را کتمان کنند، از جمله اعمال نظر شخصی و یا عقاید بنگاه خبری که در آن مشغول هستند. آنها نمی توانند هر عبارات ناخوشایند، خشن و مضر را در اخبار و تفاسیر خود استفاده کنند که با هدف استفاده علیه افراد و نهادها باشد.

- Aile Kalmak, Şirket Olmak (To Stay as a Family, to Become a Company), Prof. Dr. Yankı Yazgan, Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) Yayınları (Publications of Corporate Governance Association of Turkey), 2008
- Aile Şirketleri için Adım Adım Kurumsal Yönetim (Step by Step Corporate Governance for Family-Owned Companies), Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) (Corporate Governance Association of Turkey) - Deloitte Kurumsal Yönetim Serisi (Deloitte Corporate Governance Series), 2007
- Dünyanın Geçici Bekçileri (Temporary Guardians of the World), Prof. Mervyn E. King & Teodorina Lessidrenska, Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) Yayınları (Publications of Corporate Governance Association of Turkey), Caretta Press, 2010
- Kurumsal Yönetim İlkeleri Işığında Aile Şirketleri Yönetim Rehberi, (Management Guide of Family-Owned Companies in Light of Corporate Governance Principles) Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) Yayınları (Publications of Corporate Governance Association of Turkey), Caretta Press, 2010
- Kurumsal Yönetim İlkeleri Işığında Türk Futbol Kulüpleri Yönetim Rehberi, (Management Guide of Turkish Football Clubs in Light of Corporate Governance Principles) Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) Yayınları (Publications of Corporate Governance Association of Turkey), Caretta Press, 2010
- Nedir Bu Kurumsal Yönetim? (What is This Corporate Governance?) Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) (Corporate Governance Association of Turkey) - Deloitte Kurumsal Yönetim Serisi, (Deloitte Corporate Governance Series) 2006
- OECD Kurumsal Yönetim İlkeleri, (OECD Corporate Governance Principles) Türkiye Kurumsal Yönetim Derneği (TKYD) Yayınları (Publications of Corporate Governance Association of Turkey), 2005
- A Resource Handbook for Economic and Business Journalists in Pakistan, Syed Asad Hussain, Center for International Private Enterprise (CIPE), 2005
- Business Journalism and Corporate Governance, Center for International Private Enterprise (CIPE), July 2009
- Code of Ethics, Society of Professional Journalists
- Deloitte Times, September – October 2009
- Editorial Code of Ethics, American Business Media, March 2005
- Ethical Journalism, A Handbook of Values and Practices for The News and Editorial Departments, The New York Times, September 2004
- Guide to Preferred Editorial Practices, Practices American Society of Business

Publication Editors (ASBPE)

- Handbook of Independent Journalism, Deborah Potter, 2006
- Investigative Reporting, A Toolkit for Reporters, Shaun T. Schafer, Center for International Private Enterprise (CIPE), 2005
- ICFJ – International Center for Journalists, www.icfj.org
- Küresel Yolsuzluk Barometresi (Global Corruption Barometer) 2010
- Muhabirin El Kitabı (Handbook of a Journalist), Dr. Muzaffer Şahin, Anadolu Ajansı Yayını (Anatolia Agency Publications), 2008
- NYSE Euronext Corporate Governance Guidelines
- NYSE Directors Code of Business Conduct and Ethics
- Reporting On Corporate Governance, Global Corporate Governance Forum & IFC, 2011
- Reuters Handbook of Journalism, 2008
- Sermaye Piyasasında Bağımsız Denetim Standartları (Standards of Independent Audit in Capital Markets)
- Sustainable Investment in Turkey, IFC, 2011
- The BBC News Styleguide, John Allen, BBC Training & Development, March 2003
- Yönetim Kurulu Sırları (Secrets of Corporate Governance), Yılmaz Argüden
- Yönetim Kurulları İçin Kurumsal Yönetim Prensipleri (Corporate Governance Principles for Board of Directors), TUSIAD, 2010